

نقش احزاب و گروه‌های شیعی در تحولات سیاسی کویت

دکتر محمد علی چلونگر^۱، معصومه بندانی^۲

چکیده

کویت یکی از کوچک‌ترین کشورهای عضو اتحادیه عرب بوده که به دلیل حضور و نفوذ احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف در آن یکی از تاثیرگذارترین کشورهای حوزه خلیج فارس محسوب می‌شود. از جمله مهم‌ترین گروه‌های سیاسی ساکن در کویت شیعیان هستند که به دلیل فعالیت‌های گسترده و حضور فعالانه در سطح جامعه و با پیگیری‌های مستمر در زمینه مطالبات سیاسی از سطح حقوق مطلوبی در جامعه کویت برخوردار گشته و به رسمیت نیز شناخته شده‌اند. در واقع احزاب شیعی ساکن در کویت نقش بسزایی در به حرکت درآوردن چرخه سیاسی کشور ایفا می‌کنند به گونه‌ای که گروه‌های شیعی تا کنون توانسته‌اند در تحولات نقش مهمی را ایفا کنند. باید در نظر داشت اهدافی که جامعه شیعی کویت به دنبال آن بوده به گونه‌ای بود که موجب تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف در این کشور گردیده است و در واقع این اهداف بستر ساز شکل‌گیری احزاب شیعی در سطحی وسیع در جامعه سنی مذهب کویت شده است. از این رو برآن هستیم تا در این نوشتار به بررسی نقش احزاب شیعی در تحولات سیاسی کشور کویت بپردازیم. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: کویت، شیعیان، احزاب، تحول.

۱- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲- کارشناسی ارشد شیعه شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

کویت کشوری است که عمده احزاب فعال در آن، نگرشی مذهبی و دینی دارند اما در مابقی کشورهای عرب منطقه؛ احزاب سیاسی فعالیت چندانی نداشته و در بسیاری از مواقع به شدت سرکوب شده اند. با این حال تمامی شواهد دال بر این است که رشد آگاهی اسلامی غیرسیاسی از سوی دولت مورد تشویق قرار گرفته است. استفاده از اصطلاحات و موضوعات اسلامی در سخنان مقامات دولتی و نخبگان سیاسی، اقتصادی، تکنوکرات و روشنفکر افزایش یافته و دولت کویت به دلیل نگرانی از اتحاد پارلمانی میان شیعیان و سنیان کویت، همواره کوشیده است تا رهبران شیعی را متقاعد سازد تا مدافع منافع فرقه‌ای شیعیان باشند و مسائل را در چارچوب امور مورد علاقه شیعیان بسنجند. علیرغم این که از زمان جنگ خلیج فارس، رژیم کویت موقعیت قبایل محافظه‌کار سنی را تقویت می‌کرد تا در برابر سنیان لیبرال و شیعیان بایستند با این حال در مواردی نیز حاکمان کویت تلاش زیادی را در همگرایی شیعیان و دولت مبدول داشته‌اند. به همین دلیل تعدادی از نخبگان شیعه به مجلس کویت راه پیدا کرده و نمایندگی خود را در مجلس حفظ کردند و به گونه‌ای قابل ملاحظه حضورشان در دولت کویت ادامه یافت.

تاریخچه حضور شیعیان در کویت

با مهاجرت قبیله بنی عتوب از صحرای نجد به سرزمین کویت، در حدود سال ۱۷۱۶ میلادی بنای تشکیل این شیخ‌نشین گذاشته شد. براساس شواهد تاریخی گروهی از شیعیان کشورهای هم‌جوار، مصادف با این تاریخ به قصد صید ماهی و مروارید به سواحل کویت آمده و در آن سکنی گزیده‌اند و لذا تاریخ ورود شیعیان به کویت همزمان با تأسیس این شیخ‌نشین است. شیعیان از بدو تشکیل شیخ‌نشین کویت در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی این کشور نقش بارز داشته و در تهاجماتی که از سوی کشورهای عرب هم‌جوار صورت می‌گرفته همپای سایر شهروندان از حاکمیت و تمامیت کویت به طور موثر دفاع نموده‌اند (سیفی، ۱۳۸۶: ۷۱). طبق آمار جمعیتی سال ۲۰۰۰ میلادی ۵۵٪ از کل جمعیت و بافت کویت را جمعیت مهاجر تشکیل می‌دهند. جامعه شیعیان کویت شامل چهار گروه عمده بود: سلاله عرفی ساکنان اولیه بحرین؛ مهاجرینی که از حصه واقع در عربستان شرقی به آنجا آمده بودند؛ عرب‌های شیعه که در ابتدا از عربستان به ایران مهاجرت کرده و دوباره برگشته بودند؛ و بزرگترین گروه ایرانی‌هایی که در خود ایران ریشه داشتند. گروه اخیر به زبان فارسی صحبت می‌کردند و پیوندهای تجاری و خانوادگی‌شان را با ایران حفظ کرده بودند. یکی از افراد برجسته خانواده‌های کویتی ایرانی شیعه، یوسف بهبهانی بود که در دهه ۱۹۳۰ به حمل اجساد ایرانیان به عراق، از طریق کویت برای دفن در جوار عتبات عالیات

اشتغال داشت (کریستال، ۱۳۷۷: ۶۹). حسن رفتار و سلوک شیعیان و وفاداری آنان به حاکمیت قانونی کشور، آن‌ها را از جایگاه ویژه‌ای نزد حکام و امرای کویت برخوردار نمود و در پاره‌ای از موارد حکمرانان کویت اغلب در امور مهم کشور آن‌ها را طرف مشورت خود قرار می‌دادند. این ویژگی‌های شیعیان کویتی، آن‌ها را از موقعیت ممتازی برخوردار نموده به طوری که در طول سالیان طولانی این اقلیت مذهبی توانسته هویت خود را حفظ کند و با گسترش حضور خود در صحنه سیاسی-اجتماعی کویت، به عنوان یک اقلیت شاخص در جامعه این کشور مورد احترام همگان قرار دارد. (سیفی، ۱۳۸۶: ۷۱) نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نگرش ملی خصمانه به ایرانیان غیرعرب نقش برجسته در بی میلی شیعیان به شرکت در فعالیت‌های سیاسی مانند گروه‌های مخالف داشت، هم چنین در اتخاذ مواضع خصمانه آن‌ها در حرکت ملی‌گرایی که در آن زمان یکی از مهم‌ترین جنبش‌ها به شمار می‌رفت نقش داشت. این مواضع خصمانه نسبت به شیعیان در دهه پنجاه ادامه پیدا کرد، هنگامی که احزاب و جنبش‌های ملی‌گرای عربی شروع به شکل‌گیری کردند هم چنین این مسئله به شدید تر شدن اختلافات فرقه‌ای و نژادی کمک کرد، به خاطر موضع منفی ملی‌گرایان عرب شاخه کویت که در قبال مهاجرت ایرانیان به کویت و منطقه خلیج فارس صورت گرفت تفاوتی بین کویتیان ایرانی‌الاصل که در پیشرفت کویت نقش داشتند و مهاجران ایرانی جدید قائل نشدند. «جنبش ملی‌گرای عرب کویت» در خیابان‌ها تجمع کردند با این ادعا که کنفرانس مشترکی با شرکت استعمار انگلیسی، دولت کویت و ایران با هدف محو کردن هویت عربی برگزار می‌شود. مبارزه جنبش مخالف حضور بریتانیا با مبارزات مشابه مرتبط شد، شاید برای این که بتواند بخش عمده فعالیت سیاسی خودش را به کار بگیرد و آن فعالیت همان ضدیت با حضور ایرانی با همه ابزار و در تمام سطوح بود. این جنبش جامعه ایرانی در حال افزایش برای اعراب و عربیت را باید در موارد زیر خطرناک دانست: ۱- افزایش خارجی‌ان در کویت و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس یک نیروی فشار مضاعف بر ساکنان عربی آن‌هاست. ۲- استخدام برخی عناصر خارجی برای مقابله با نیروهای خواهان پیشرفت عرب که امتیازات استعمارگران را در منطقه تهدید می‌کنند ۳- رهایی از دهان‌های گرسنه‌ای که برای رژیم سابق شاهنشاهی خطرناک محسوب می‌شوند. ۴- محقق شدن رویای امپراطوری بزرگ ایرانی در منطقه خلیج فارس (المدریس، ۱۹۹۹: ۲۱ - ۲۰)

گروه‌های شیعه ساکن در کویت

شیعیان کویت از سطح حقوق مطلوبی در این جامعه برخوردارند و به رسمیت نیز شناخته شده‌اند اما باید پذیرفت که اهداف این جامعه شیعی با اهداف شیعیان دیگر

کشورهای منطقه تفاوت دارد و در واقع «پیشرفته‌تر» است. به عنوان مثال در حالی که هنوز مذهب شیعیان عربستان سعودی به رسمیت شناخته نشده و آنان برای انجام مناسک شیعی و ساخت مسجد آزادی ندارند اما شیعیان کویت این محدودیت‌ها را ندارند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۵ - ۳۳۴). علیرغم حضور نسبتاً فعالانه شیعیان در کویت؛ اما در سال ۲۰۰۰ تنها یک نفر شیعه در هیات دولت کویت حضور داشت و تعداد مساجد آنان به ۳۰ واحد می‌رسید و در مقابل، اهل سنت ۲۰۰۰ مسجد را در اختیار دارند (حجار، ۱۳۸۱: ۷۶). البته باید توجه داشت که با وجود این که اکثر شیعیان کویتی از شیعیان دوازده امامی هستند اما چهار مکتب مذهبی در آن جا وجود دارد که شامل مکاتب زیر می‌شود: ۱- شیخیه: پیروان شیخ احمد آحسائی هستند که دیدگاه مقدسی در مورد اهل بیت دارد، آن‌ها معتقدند که خدا اهل بیت را مورد فیض قرار داده و به آن‌ها اجازه داده که روزی مردم را توزیع کنند، اما الان این اعتقاد دیگر رایج نیست و هم‌اکنون به آن‌ها درکویت به خاطر نسبتشان با میرزا حسن احقائی، جماعت میرزا اطلاق می‌شود. مهم‌ترین خانواده‌های کویتی بارز این گروه خانواده‌های: الاربش، خریط، الشواف، والوزان هستند. جماعت میرزا به دلیل اتخاذ مواضع بی‌طرفانه در قبال رویدادهای سیاسی محلی و منطقه‌ای مورد انتقاد مکاتب شیعه دیگر کویت قرار گرفته است ۲- اخباریه: و آن‌ها بحرینی و از مقلدان میرزا ابراهیم جمال الدین هستند، و مهم‌ترین خانواده‌های وابسته به این جماعت خانواده‌های: قلاف، خیاط، مکی، جمعه، حاجی حامد می‌باشند ۳- اصولیه: این گروه علاوه بر اینکه در بین شیعیان کویت حضور دارند در میان شیعیان کشورهای دیگری مانند عراق، ایران و لبنان نیز رواج دارد. (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۵۸ - ۱۵۷) ۳- جماعتی که بقیه شیعیان کویتی ایرانی تبار را شامل می‌شود و آن‌ها از مجتهد سید ابوالقاسم خوئی که در نجف زندگی می‌کرد تقلید می‌کنند. مساجد زین العابدین، مقامس و مسجد نقی از مراکز تجمع این گروه درکویت به شمار می‌رود. مهم‌ترین خانواده‌های منتسب به این جماعت خانواده‌های: موسوی، قبازر، دشتی، اشکانی، بهمن، بهبهانی و معرفی هستند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۷ - ۸) علاوه بر این چهار گروه شیعه در کویت مکتب شیعی دیگری وجود دارد که شیرازی نام دارد و با مکتب خوئی رقابت می‌کند توجه به کثرت مدارس فقهی و مذهبی شیعیان کویت، این امر موجب کثرت مراجع تقلید می‌شود که؛ عده‌ای مراجع ایرانی را تقلید می‌کنند، عده‌ای نیز از آیت‌الله سیستانی در عراق و آیت‌الله محمد حسین فضل‌الله در لبنان تقلید می‌کنند. از لحاظ قانونی، قانون اساسی کویت برطبق آنچه که به اسم آزادی ادیان تدوین شده به شیعیان حق انجام آزادانه مناسک و مراسم های مذهبی را می‌دهد و دولت از انجام فعالیت‌های مذهبی که براساس عادت های مرسوم باشد و نظم عمومی را بر هم نزند و مخالف با عرف جامعه نباشد حمایت

می‌کند اما در واقع شیعیان کویتی به لحاظ برخورداری از آزادی مذهبی در میان شیعیان بحرینی و شیعیان عربستان سعودی در جایگاه وسط قرار دارند، آن‌ها از این لحاظ نسبت به شیعیان عربستانی اول و در نسبت با شیعیان بحرینی در جایگاه دوم قرار دارند. علماء شیعی کویت از شیوه‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش که در بردارنده مطالب و اشاراتی است که شیعیان را به غیرمؤمن بودن وصف می‌کند شکایت کرده‌اند تا این که دولت کمیته‌ای را تشکیل داد که اقدام به حذف بخش‌هایی از شیوه‌های آموزشی که در آن‌ها از شیعیان بدگویی می‌شد کردند. علی‌رغم تمام این محدودیت‌ها؛ شیعیان کویتی در مقایسه با هم‌تایان شیعه خود در عربستان سعودی از آزادی مذهبی بیشتری برخوردارند. (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۶۰-۱۵۸).

نقش گروه‌های شیعی در سیستم انتخاباتی کویت

برخلاف وجود جمعیت قابل توجهی از شیعیان در کویت اما حکومت در دست سنی‌ها بوده و شیعیان از بسیاری از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم هستند. این امر موجب شد تا دولت کویت شیعیان را تهدید بالقوه‌ای علیه حکومت خود تلقی کند (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۸۴) با این حال رژیم کویت، مردم و دیگر اعضای مجلس ملی، نمایندگان شیعه را در حیات سیاسی کویت سهیم می‌داند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۶). در واقع شیعیان علاوه بر حضور فعال در عرصه‌های مذهبی؛ در زمینه‌های سیاسی از جمله حضور و نفوذ در تحولات پارلمانی نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا کرده و موجب تحولات بنیادی در جامعه کویت شدند. تقسیم بندی حوزه‌های انتخابیه در سال ۱۹۶۱ از جمله تحولاتی بود که در درجه‌ی نخست بر اساس نزدیکی و مجاورت جغرافیایی استوار گردیده بود. چون ساکنان کویت در مناطق مسکونی در کنار یکدیگر بر اساس تثبیت حضور و همسایگی خانوادگی، قبیله‌ای و فرقه‌ای سکونت می‌کردند پراکندگی نامنظم حوزه‌های انتخابیه نیز بر مبنای ملاحظات قبیله‌ای و فرقه‌ای استوار گردید (کویت، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

در تاریخ بیست و سوم ژانویه ۱۹۶۳ م اولین انتخابات مجلس برای انتخاب اعضای مجلس ملی برگزار شد و شیعیان هم به عنوان نامزد و هم رای‌دهنده در آن شرکت کردند، این روز برای شیعیان یک روز فراموش نشدنی به شمار می‌رود چرا که ۵ تن از نامزدهای آن‌ها توانست از حوزه انتخابی یک در منطقه «الشرق» و حوزه انتخابی ۷ در منطقه «دسمه» به مجلس ملی راه پیدا کنند که این دو حوزه از پایگاه‌های مهم شیعیان از نظر تراکم جمعیت ساکنان آن‌ها بشمار می‌روند. نقش نمایندگان شیعه در مجلس ملی اول و تصویب قوانین، کم‌رنگ و درحاشیه بود به گونه‌ای که از یک طرف مواضع آن‌ها در تصویب قوانینی که دولت به مجلس ارائه کرده بود و مرتبط به محدود کردن

آزادی‌های عمومی مثل انجمن‌ها، قانون تجمعات، قانون مشاغل عمومی و قانون روزنامه‌ها و از طرف دیگر برخورد با گروه سیاسی مخالف داخل مجلس که شامل توده ملی‌گرایان عرب و بعضی از نمایندگان اتاق بازرگانی طرفداران‌ها بود؛ تاثیری نداشت. نمایندگان شیعه مجلس با نمایندگان بادیه اکثریت پارلمانی طرفدار حکومت را تشکیل دادند که این امر موجب شد که توده ملی‌گرایان عرب در سال ۱۹۶۵ با متهم کردن حکومت؛ به این که قوه مقننه را که وسیله‌ای برای رسیدن ملت به آزادی‌های بیشتر است؛ تبدیل به ابزاری برای فشار و خفقان آزادی‌های فردی و عمومی کرده است، تصمیم به استعفای از نمایندگی مجلس گرفتند (المدریس، ۱۹۹۹: ۳۴) نامزدهای شیعه در انتخابات مجلس قانون‌گذاری دوم در سال ۱۹۶۷ شرکت کردند و تعداد نماینده‌های شیعه به ۹ نماینده رسید و دولت اقدام به تقلب در نتایج این انتخابات کرد که انتظار می‌رفت نتایج آن حاکی از پیروزی جبهه ملی باشد که این جبهه ائتلافی بود که نیروهای ملی‌گرا و تجار را در بر می‌گرفت و گروه شیعه مجلس موضع حکومت را در قبال این انتخابات تایید کرد. در انتخابات مجلس قانون‌گذاری سوم در سال ۱۹۷۱ م شیعیان با تعدادی از نامزدها در آن شرکت کرد که ۶ نفر از آن‌ها موفق شدند به مجلس راه پیدا کنند، نمایندگان شیعه به ائتلاف با نمایندگان بادیه برای تشکیل اکثریت طرفدار حکومت در مجلس ادامه دادند. در انتخابات مجلس قانون‌گذاری چهارم در سال ۱۹۷۵ میلادی ۱۰ نفر از نامزدهای شیعه به پیروزی رسیدند و این بالاترین حد نسایی بود که نمایندگان شیعه به آن دست یافتند و برای اولین بار وزیری از جامعه شیعیان به وزارت راه پیدا کرد، و نماینده «عبدالمطلب کاظمی» وزیر نفت شد. هم‌چنین از دیگر تحولاتی که در زمان انتخابات مجلس قانون‌گذاری چهارم رخ داد این بود که برای اولین بار عده‌ای از جوانان شیعه در رقابت با نامزدهای سنتی وفادار به حکومت در مبارزات انتخاباتی شرکت کردند و لذا این جوانان به صورت مجموعه‌ای از شیعیان لیبرال تحت عنوان «جوانان قانون اساسی ملی» پا به عرصه گذاشتند و برنامه انتخاباتی خود را اعلام کردند که مهم‌ترین آن عبارت است از: ۱- توسعه قانون اساسی و حفاظت از دموکراسی ۲- تقویت تکفیک میان قوا ۳- تقویت وحدت ملی بر اساس عدالت. پس از مدتی گروه جوانان قانون اساسی ملی توانست که با پیروزی «خالد خلف» از بنیانگذاران این گروه نامزدهای سنتی را شکست بدهد. (المدریس، ۱۹۹۹: ۳۵) در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۷۶ میلادی، شیخ جابر الاحمد الصباح؛ ۴ اصل از اصول قانون اساسی را که مربوط به آزادی‌های مطبوعاتی بود را به حالت تعلیق درآورده و مجلس را که دوران چهارم خود را می‌گذرانید منحل اعلام نمود. پس از انحلال مجلس؛ اعلام گردید کمیته‌ای تشکیل خواهد شد تا اصلاحات مربوط به قانون اساسی را از طریق رفراندوم در مدت چهار سال انجام دهد. (اطلاعاتی درباره کویت، ۱۳۶۲:

۶۲). در این زمان تعدادی از اعضای مجلس منحل شده طوماری را امضاء کردند که خواهان احیاء فعالیت مجلس بود و چهار تن از نمایندگان شیعه این طومار را امضاء کردند. (المدیرس، ۱۹۹۹: ۳۵). در سال ۱۹۷۹م حکومت از تشکیل کمیته‌ای برای تجدید نظر قانون اساسی خبر داد که این کمیته متشکل از ۳۵ عضو بود که دولت آن‌ها را معین کرده بود و ۸ تن از اعضای آن از میان شیعیان بودند. هدف پشت پرده از ایجاد این کمیته حذف برخی از مواد قانون اساسی که به آزادی‌های عمومی مرتبط بودند و دادن اختیارات قانونی به قدرت اجرایی در عوض قوه مقننه بود، اما کمیته تجدید نظر قانون اساسی با مخالفت و اعتراض مردمی به رهبری گروه مخالفان سیاسی مواجه شد و جریان شیعه انقلابی در این مخالفت و اعتراض شرکت کرد و تنها نیروهای سیاسی مذهبی سنی در این مخالفت شرکت نکردند که خواهان تغییر در ماده دوم قانون اساسی و جایگزین شدن قانون اسلامی به عنوان تنها مرجع اصلی قانون‌گذاری و نه یکی از منابع اصلی آن بودند. در نتیجه فشارهای مردمی حکومت مجبور شد کمیته تجدید نظر را بدون اعلام رسمی تعطیل کند. و در همان سال حکومت قانون جدیدی را در رابطه با انتخابات به جای قانون قبلی تصویب کرد. شیعیان معتقدند که هدف از این اصلاحیه که در زمان تعطیلی مجلس به انجام رسید کم کردن تعداد نمایندگان شیعه در مجالس قانون‌گذاری بوده، در حقیقت تغییراتی که در قانون انتخابات اعمال شد به شیعیان فرصت داد که در حوزه‌های انتخاباتی که به روی شیعیان بسته بود مانند حوزه ۵ قادسیه، حوزه ۱۰ که شامل عدلیه، سره و جابریه می‌شد و هم چنین تا حدودی حوزه ۲ ضاحیه رقابت کنند که در این حوزه‌ها آراء رای دهندگان شیعه کفه ترازوی نامزدهای اهل سنت را سنگین‌تر می‌کرد. دولت در توجیه اقدام خود در تصویب قانون جدید، تغییرات ایجاد شده در ترکیب جمعیتی را دلیل اجرای این اصلاحیه دانست (المدیرس، ۱۹۹۹: ۳۷ - ۳۶).

تقسیم بندی حوزه‌های انتخاباتی کویت به نوعی بود که به ۲۵ حوزه انتخاباتی تقسیم شده و هر حوزه چه کوچک باشد یا بزرگ، دو نماینده را روانه مجلس کرده در حالی که تا سال ۱۹۸۰ میلادی ۱۰ حوزه‌ی انتخابیه وجود داشت که از هر حوزه ۵ نماینده انتخاب می‌شد. در حوزه انتخابیه کمیته‌های اصلی و کمیته‌های فرعی، بنا به شرایط وجود داشت. ریاست کمیته یکی از قضات یا دادستانی کل یا یکی از کارمندان دولت به انتخاب وزیر دادگستری می‌باشد (کوی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

در سیر روند حوادث سیاسی کویت و نقش احزاب و گروه‌های شیعی باید عنوان کرد که در تاریخ دهم اکتبر سال ۱۹۹۰ تصمیماتی در کنفرانس مردمی جده به تصویب رسید که بر احیای مجدد عمل به قانون اساسی ۱۹۶۲ و برگزاری انتخابات همگانی برای انتخاب اعضای مجلس ملی پس از آزادی کویت تاکید داشت، لذا اولین انتخابات

عمومی در کویت آزاد شده در تاریخ پنجم ماه اکتبر سال ۱۹۹۲ برای انتخاب اعضای مجلس ملی هفتم برگزار شد. و ائتلاف ملی اسلامی با چهار نامزد در این انتخابات شرکت کرد همزمان از برخی نامزدهای شیعه حمایت کرد، همچنین برخی شیعیان لیبرال و برخی شیعیان وابسته به جناح چپ در این انتخابات کاندید نمایندگی مجلس شدند و در کنار تعداد زیادی از نامزدهای شیعه وابسته به نظام سیاسی حاکم از اعضای مجلس نمایندگی سابق و اعضای مجلس ملی در این انتخابات کاندید شدند. نتایج انتخابات حاکی از پیروزی دو تن از نامزدهای ائتلاف ملی اسلامی و دو تن دیگر از نامزدهای مورد حمایت این ائتلاف و شکست همه نامزدهای مجلس ملی و همه نامزد های شیعه وفادار به حکومت بود. ائتلاف ملی اسلامی از نامزدهای تریون دمکراسی کویت در حوزه های انتخاباتی که در آن ها نامزدهای ائتلاف یا نامزدهای مورد حمایت رسمی ائتلاف نبودند پشتیبانی کرد. پس از معلوم شدن نتایج انتخابات ملی هفتم، همه نمایندگان منتخب نشست غیررسمی را بنا به دعوت نماینده تجمع مردمی اسلامی جاسم العون در دفتر او برگزار کردند و بر هماهنگی میان توده های مختلف مجلس و نمایندگان مستقل برای تشکیل کابینه ملی و انتخاب رئیس مجلس ملی جدید توافق کردند. ائتلاف ملی اسلامی و نماینده گروه شیعیان لیبرال نیز در این نشست شرکت کرد، هم چنین در نشست های بعدی که در دفتر ناصرالصانع نماینده مجلس برگزار شد احمد سعدون نماینده دیگر مجلس به طور غیر رسمی به عنوان رئیس مجلس ملی جدید انتخاب شد. همین طور برای ترکیب هیئتی متشکل از نمایندگان مجلس به منظور گفتگو با نخست وزیر برای تشکیل کابینه جدید توافق شد، نتیجه این گفتگوها ورود شش معاون جدید وزارت که از اکثریت توده های مجلس مثل «علی البغلی» مورد حمایت ائتلاف ملی اسلامی. با وجود این که کابینه جدید نشانگر چهره های جریان محافظه کار شیعیان وفادار به قدرت حاکم بود، اما ائتلاف ملی اسلامی مانند دیگر گروه های سیاسی شیوه آشتی سیاسی با حکومت را در پیش گرفت هم چنین عدم سخت گیری دولت در برخورد با مسائل داغ و مهم چون بدهی های سنگین و موضوعات اختلاس از بیت المال خودش را نشان داد. مدت کمی پس از تاسیس ائتلاف ملی اسلامی، بنیانگزاران ائتلاف از توقف فعالیت های این گروه به دلیل بروز اختلافات میان اعضای آن خبرداد تا جایی که سید عدنان عبد الصمد عضو مجلس ملی از تشکیل گروه سیاسی با نام جدید اتحاد ملی اسلامی خبرداد، عدنان عبد الصمد در این زمینه گفت که اتحاد ملی اسلامی جدید نیست و آن قبلا در صحنه سیاسی وجود داشته و تنها مسئله جدید سامان دهی اوراق بهادار و سازمان دهی ائتلاف با بخش های اجتماعی و سیاسی دیگر. علاوه بر اتحاد ملی اسلامی، تجمعات سیاسی مردمی از درون ائتلاف ملی اسلامی بوجود آمد مثل گروه «حامیان عدالت»، «جنش عدالت و دموکراسی» و «جنش «حامیان آزادی» (المدیرس، ۱۹۹۹: ۴۵ - ۴۳).

در تاریخ ۵ / ۱۰ / ۱۹۹۲ انتخابات دوره هفتم مجلس امت پس از شش سال تعطیلی و در پی آزادسازی کویت برگزار گردی. پس از آن در ژوئن ۱۹۹۲ انتخابات برای مجلس جدید با رقابت تقریباً ۲۸۰ نماینده برگزار شد. این نمایندگان اسما مستقل بودند اما در واقع وابسته به یکی از چند سازمان شبه حزبی بودند که در کویت حضور داشتند. در این انتخابات باز هم میزان رأی دهندگان محدود به مردان بود و فقط ۸۱۴۰۰ نفر مرد در این رأی‌گیری شرکت کردند. کاندیداهای مخالف دولت اکثراً به گروه‌های اسلامی تعلق داشتند که به صورت غیر منتظره‌ای موفق به اخذ ۳۱ کرسی از ۵۰ کرسی مجلس شدند. شش نماینده مجلس جدید در کابینه جدید دولت حضور داشتند. در سال ۱۹۹۴ مجلس طرحی نوین را برای افزایش شمول رأی دهندگان مطرح کرد و به فرزندان ذکور کسانی که تابعیت کویت را پیدا کرده بودند حق رأی اعطا کرد. در جولای ۱۹۹۵ هم لایحه‌ای تصویب شد که در آن مدت زمانی که یک نفر بعد از تابعیتش در کویت می‌توانست صاحب حق رأی شود را از ۳۰ سال به ۲۰ سال کاهش داد. در جولای ۱۹۹۶ وزارت داخل اعلام کرد که در انتخابات بعدی ۱۰۷۰۰ مرد می‌توانند در انتخابات شرکت کنند. در انتخابات اکتبر ۱۹۹۶، کاندیداهای طرفدار دولت اکثریت کرسی‌ها را تصاحب کردند. از مارس ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ تقابل بین دولت شیخ سعد و مجلس وجود داشت تا آنکه در ۱۹۹۹ امیر مجلس را منحل و دستور انتخابات جدید را صادر کرد. در انتخابات جدید بیش از ۸۰ درصد واجدین شرایط که شامل ۱۱۳۰۰۰ مرد می‌شدند در انتخابات شرکت کردند. در این انتخابات کاندیداهای طرفدار دولت فجیع‌ترین باخت را رقم زدند و فقط ۱۲ کرسی و لیبرال‌ها ۱۴ کرسی را به خود اختصاص دادند و ۴ کرسی هم به کاندیداهای مستقل رسید. دولت جدید هم با ریاست ولیعهد یعنی شیخ سعد در اواسط جولای افتتاح شد (کویت، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۵۸).

در ۱۹۹۶، پنج عضو شیعی به کرسی‌های پارلمان دست یافتند از جمله (برای نخستین بار) یک روحانی شیعه، دو اسلام‌گرای دیگر و دو شیعه غیر اسلام‌گرا. برخلاف انتخابات ۱۹۹۲، رقابت‌های سال ۱۹۹۶ حساسیت‌های فرقه‌ای و نگرانی سنیان را درباره نامزدی اسلام‌گرایان شیعه که به ایران بسیار نزدیک قلمداد می‌شد برانگیختند. به ویژه پیروزی انتخاباتی سید حسین القلاف، روحانی شیعه‌ای که در قم تحصیل کرده؛ در مقابل یک شیعه سکولار و یک کاندیدای سنی، موجب شد سنی‌ها درباره بروز رقابت فرقه‌ای در کویت نگران شوند. شیعیان معتقدند حکومت کویت برای کاستن از نفوذ و تاثیر آن‌ها حوزه‌های انتخاباتی را تفکیک و محدود کرد. آن چه در مورد شیعیان و حوزه‌های انتخاباتی و مناصب مهم سیاسی می‌توان به آن اشاره نمود این نکته است که شیعیان کویت در پی فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده و

به پایین بودن تعداد شیعیان در پست های حکومت، عدم حضور آنان در بخش هایی که حساس تلقی می شوند و محروم بودن از حمایت مالی و بودجه ای حکومت؛ معترض اند. تغییراتی که به دنبال جنگ خلیج فارس در کویت ایجاد شد عمدتاً در زمینه حق نمایندگی، پلورالیسم و آزادی های مدنی بوده اند. اگر چه سازماندهی این اصلاحات توسط رژیم کویت هدایت می شدند اما شیعیان به سهم خود در این فرایند امیدوارند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۵ و ۳۲۵) انتخابات پارلمانی کویت در ۵ جولای ۲۰۰۳ برگزار شد و در این انتخابات گروه های اسلامی ۲۱ کرسی، طرفداران دولت ۱۴ کرسی، مستقل های متمایل به دولت ۱۲ کرسی و لیبرال ها ۳ کرسی را کسب کردند. نکته قابل ذکر این است که در انتخابات کویت فقط ۶ درصد جمعیت حق رأی داشتند. نتیجه این انتخابات در کل نشانگر نوعی عقب نشینی از اصلاحات سیاسی و نیز بیانگر نارضایتی عمومی از کل فرآیند سیاسی بود. به دنبال این انتخابات ولیعهد مریض شد و از پست نخست وزیری کناره گیری کرد. تعیین شیخ صباح به عنوان جانشین او در پست نخست وزیری بیانگر رخداد مهمی در فرآیند سیاسی کویت بود زیرا برای اولین بار شخصی به جز ولیعهد در پست نخست وزیری قرار گرفته بود. این تحولات انگیزه ای جدیدی به اصلاح طلبان داد. در کابینه جدید ۶ انتصاب جدید صورت گرفت (کویت، ۱۳۹۰: ۱۶)

در انتخابات پارلمانی ۱۵ تیرماه ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی) کسب پنج کرسی از پنجاه کرسی پارلمان از سوی شیعیان، پیروزی سیاسی بزرگی در تاریخ حیات سیاسی کویت محسوب می شد و این، نگرانی مقام های کویتی را به دنبال داشت و این پیروزی که نتیجه نزدیکی و اتخاذ وحدت رویه جریان های شیعه در این کشور بود، مقام های کویتی را بر آن داشت تا تبلیغات از پیش برنامه ریزی شده ادعای دخالت ایران در امور داخلی آن کشور را مطرح کنند و مدعی شوند که ایران با تلاش در ایجاد وحدت میان جریان های شیعه، در صدد اخلال در امور جاری کویت است (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۱). در پی این روند بود که از می ۲۰۰۶ میلادی یک مبارزه سخت برای اصلاح انتخابات آغاز شد. این مبارزه در پی کاهش شمار حوزه های انتخاباتی در کویت بود تا فرصت های خرید رأی را کاهش دهد. پیشنهاد دولت برای کاهش شمار حوزه ها از ۲۵ حوزه به ۱۰ حوزه توسط مخالفین رد شد زیرا آنان کاهش جامع تری را برای رسیدن تعداد حوزه ها به ۵ حوزه مدنظر داشتند. شمار رأی دهندگان در کویت در انتخابات سال ۲۰۰۹ در حدود ۳۸۵ هزار نفر بوده که ۵۸ درصد در انتخابات مذکور شرکت کردند. در این میان ۱۷۵۶۷۹ نفر از واجدین شرایط رأی دادن مرد و ۲۰۹۱۱۱ نفر زن بوده اند. بر این اساس می توان گفت که، مجلس امت تنها نماینده ی ۱۰ درصد از مجموع شهروندان کویت می باشد (کویت، ۱۳۹۰: ۱۵۴) به طور کلی می توان این

گونه عنوان کرد که هدف اصلی شیعیان این است که از راه‌های گشوده شده از رهگذر تغییر فرهنگ سیاسی کویت، به مشارکت بیشتر در این کشور دست یابند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۵). اما عواملی مانع اتحاد واقعی شیعیان می‌شوند که عبارتند از: میزان پایبندی مذهبی متفاوت شیعیان، عقاید سیاسی متفاوت و جایگاه اجتماعی متفاوت آن‌ها. بعلاوه اوضاع جغرافیایی و منطقه‌ای موجب تفاوت تجارب شیعیان شده و در جامعه آنان نوعی تنوع را پدید آورده است. با این حال از نظر بسیاری از شیعیان مذهب، در مبارزه سیاسی و برای به رسمیت شناخته شدن و دستیابی به حقوق مساوی؛ امری لازم است. این مسئله نقش بسیار مهمی در بیداری شیعی داشته است (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۷۴).

در انتخابات مجلس که بر طبق برنامه در ۱۷ می ۲۰۰۸ میلادی برگزار شد، نامزدهای اسلام‌گرا حضور پررنگی داشتند. در این انتخابات گروه‌های سنی اسلام‌گرا ۲۱ کرسی، شیعیان اسلام‌گرا ۹ کرسی، لیبرال‌ها و متحدانشان ۷ کرسی و مستقل‌ها ۱۳ کرسی را تصاحب کردند. از ۲۷ نامزد زنی که در این انتخابات شرکت کردند هیچ‌کدام موفق به کسب کرسی نشدند. با وجود مخالفت چند تن از نمایندگان، امیر دوباره شیخ ناصر را به عنوان نخست وزیر انتخاب کرد. شیخ ناصر در ۲۸ می کابینه خود را معرفی کرد. از ۱۵ عضو کابینه او دو نفر زن بودند و این اتفاق دیگری بود که در روند سیاسی کویت در سال ۲۰۰۸ رونمایی شد. مجلس به ترکیب کابینه معترض بود. در ۳ نوامبر ۲۰۰۸ بر سر اجازه ورود به روحانی شیعی ایرانی «محمد باقر الفالی» که از سوی کویت متهم به صدمه زدن به مسلمانان سنی و تهدید تمامیت ارضی کویت بود، روابط مجلس و دولت بحرانی شد. در مقابل درخواست مجلس برای استیضاح نخست وزیر، کل کابینه در ۲۵ نوامبر استعفا داد. امیر استعفای او را قبول کرد و به او دستور داد پنجمین کابینه خود را بعد از انتصابش در سال ۲۰۰۶ تشکیل دهد (کویت، ۱۳۹۰: ۱۶۳) منفعت شیعیان در یک نظام آزاد سیاسی این است که آرای سیاسی خود را بروز دهند و از منزوی شدن بپرهیزند. در این میان چالش همیشگی شیعیان کویت، برقراری تعادل بین قوای متعارض در درون جامعه شیعی از یک سو و میان جامعه شیعی و دولت و جامعه کویت از سوی دیگر خواهد بود. اگر شیعیان کویتی در محاسبات خود اشتباه کنند پیشرفت کار آنان دچار تهدید خواهد شد (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۴۰).

شیعیان کویت و نقش آفرینی آنان در تحولات سیاسی کشور

اعتراضات سیاسی شیعی به خاطر بستر عزلت‌گرایانه سنتی بود که مدت‌ها بر زندگی شیعیان تحمیل شده بود و عزلت‌گرایی، تنها یک جنبه از واکنش شیعیان در برابر جهان آکنده از ظلم است. اگرچه رهبران شیعی در طول تاریخ به نوعی از سیاست دوری

گزیدند اما همواره در پی انجام فعالیت سیاسی بوده‌اند. این فعالیت‌ها از همان آغاز اسلام وجود داشت و هرگاه دولت‌ها دچار ضعف می‌شدند؛ گروه‌های شیعی فعالیت‌های سیاسی خود را شدت بیشتری می‌بخشیدند. مشروعیت فعالیت‌های سیاسی بر آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر(ص) مبتنی بود که مسلمانان و شیعیان را برای مقاومت در برابر حاکمان ترغیب می‌کرد (Lewis, ۱۹۸۸: pp ۹۲ - ۹۴). احیای تشیع که در دهه ۱۹۶۰م حضور گسترده سیاسی به خود گرفت شکلی از احیای اسلام سیاسی به صورت کلی است و با احیای اسلام سنی در برخی از مقاصد و اهداف سهیم است. لذا احیای شیعی را می‌توان ناشی از احساس قوی بی‌حرمتی و محرومیت از حق رای دانست که شیعیان به طور خاص تجربه کرده‌اند. اسلام‌گرایی شیعی بر خلاف اسلام‌گرایی سنی، از آغاز از مولفه قدرتمند رهبری روحانیت برخوردار بوده است. این امر نتیجه طبیعی نقش برجسته‌ای بود که علما در هدایت جامعه ایفا می‌کرده‌اند. از عواملی که موجب احیای تمایلات شیعی شد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تجدد، ایدئولوژی‌های غربی، شکست حکومت‌های عرب در مسئله فلسطین و انشقاق در جامعه که به دنبال گسترش شهرنشینی و دیوانسالاری غیر سودمند پدید آمد. احیای شیعی در زندگی جامعه شیعه با ویژگی‌هایی ریشه دارد از جمله انزوای دیرین سیاسی، محدود کردن آزادی‌های مذهبی از سوی حکومت، تضعیف آزادی عمل و استقلال مالی نهادهای مذهبی و تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۶۷ و ۶۶).

در تبیین موضوع باید گفت از آن جا که سیاست رسمی نسبت به شیعه در سراسر منطقه خلیج فارس متفاوت بوده؛ اغلب در تضاد آشکار با آن چه در مورد بحرین و عربستان سعودی مد نظر قرار گرفته، است. حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۰، روابط بین شیعیان کویت و خانواده حاکم سنی مذهب آل صباح را در محک آزمایش قرار داد در حالی که شیعیان ستون اصلی مقاومت کویت علیه اشغال عراق بودند و فشار و ضربه آن را تحمل کردند؛ اعضای خانواده آل صباح به عربستان سعودی گریختند. البته با برگشت آل صباح در پی جنگ خلیج فارس، شیعیان مخالف خود را علیه خانواده حاکم کنار گذاشتند و با امیر جابر آل صباح بیعت کرده و وی را به عنوان نماد وحدت ملی قلمداد نمودند. ایستادگی مثبت شیعه نسبت به خانواده حاکم کویت دلایلی دارد از جمله: ۱- ایجاد ملی‌گرایی در کویت به لحاظ حمله عراق ۲- سیاست مدارای آل صباح نسبت به شیعیان کویت در طول قرن بیستم؛ سیاستی که آن‌ها را از هویتشان باز نداشت. اگر چه آل صباح گاهی علیه شیعیان تبعیض قائل شد و آن‌ها را از چرخه داخلی قدرت خارج کرد، اما جامعه شیعه نقش برجسته‌ای را در اقتصاد ایفا کرد و اعضای آن در پارلمان شرکت کرده و مناصبی را در ارتش و پلیس به عهده گرفتند. در

نتیجه، شیعیان کویت به هویت کویتی خود افتخار کرده و این احساس را داشتند که سرنوشت آن‌ها به خانواده حاکم گره خورده است. این واقعیتی است که هم شیعیان و هم مخالفین آن‌ها و هم چنین نویسندگان غربی آن را مورد تایید قرار داده‌اند. بر خلاف حاکمان کویت که تلاش زیادی را در همگرایی شیعیان و دولت مبذول داشته‌اند خاندان حاکم در عربستان و بحرین اغلب، شیعیان را دارای خصومت تلقی کرده‌اند. این مشکل در عربستان سعودی که حاکمان و روحانیون دولتی وهابی، شیعیان را از شمول اسلام خارج کرده، به طور خاص قابل توجه است (نکاست، ۱۳۸۷: ۶۴ - ۶۳) و از آن‌جا که جمعیت قابل توجهی از کویت را شیعیان ایرانی دوازده امامی تشکیل می‌دهند از این رو بعضی از محققان، شیعیان کویت را به دو گروه تقسیم می‌کنند و معتقدند آن‌ها در این کشور دارای دو بخش اصلی هستند: گروه اول شیعیانی هستند که ایرانی الاصل بوده و گرایش به اصول زبان فارسی دارند که معروف به «عجم» می‌باشند. گروه دوم شیعیانی می‌باشند که از شبه جزیره عرب (الاحساء) آمده‌اند و اصالتاً عرب هستند (ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تاکید بر شیعیان، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

به طور کلی ساختار سیاسی کویت به گونه‌ای است که از یک سو به دلیل نظام سلطنتی موروثی موجود در آن و عدم حضور احزاب سیاسی قانونی؛ نوعی نظام دیکتاتوری در آن دیده می‌شود و از سوی دیگر آزادی بیان و برگزاری انتخابات و جلسات عمومی مردمی، نظام سلطنتی کویت را به نظام دموکراسی غرب شبیه می‌کند (میر رضوی و احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۳۶۱) لذا عواملی که شیعیان کویت را به فعالیت سیاسی واداشت عبارتند از: بروز انقلاب اسلامی ایران که الهام بخش و حامی حرکت سیاسی شیعیان در همه نقاط جهان بود، قلع و قمع حزب حزب الدعوه عراق که فرار بسیاری از اعضای آن به کویت را در پی آورد، پیدایش جنبش‌های اسلام‌گرای امل و حزب‌الله در لبنان و بالاتر از همه حمایت شدید حکومت کویت از عراق طی جنگ ایران و عراق. نقشی که شیعیان کویت طی جنگ خلیج فارس در مقابل صدام ایفا کردند تغییر شگرفی در وضعیت آنان پدید آورد و به پذیرش مجدد و بازگشت آنان به درون جامعه کویت - و از جمله نظام سیاسی - انجامید. در زمان حمله عراق به کویت بسیاری از سنیان ثروتمند کویت برای گذراندن تعطیلات در خارج از کشور به سر می‌بردند لذا در این زمان تعادل جمعیتی کشور به نفع شیعیان به هم خورد و شیعیان در مقابل هجوم قوای عراق به شدت ایستادگی کرده و بسیاری از شیعیان به دست قوای اشغالگر عراقی کشته شدند یا به زندان افتادند. در این میان ابراز میهن دوستی شیعیان دو نتیجه در بر داشت: ۱- تردید سنیان را درباره وفاداری شیعیان به کویت کاهش داد ۲- میان جوامع سنی و شیعی همبستگی برقرار ساخت. در واقع تجربه دشوار و مشترک اشغال کویت از سوی عراق، چنان احساس ملیت‌گرایی را در میان کویتی‌ها قوت بخشید

که امروزه نظیر آن را کمتر در کشورهای عربی می توان یافت. بازتاب این اتحاد ملی آن بود که بلافاصله پس از جنگ خلیج فارس، شیعه و سنی مشترکا خواستار احیای قانون اساسی و مجلس ملی شدند. در واقع حتی در زمان اشغال کویت به دست قوای عراقی، شخصیت های برجسته شیعه و سنی برای چانه زنی با خاندان حاکم الصباح، که در آن زمان به عربستان سعودی پناه برده بودند، با یکدیگر متحد شدند و درباره احیای قانون اساسی و پارلمان، پس از آزادسازی کویت به مذاکره پرداختند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۱ و ۳۱۰).

با وجود این که قانون اساسی کویت مانع ایجاد احزاب سیاسی نشد، کویت شاهد ظهور هیچ حزب سیاسی نبود زیرا جامعه کویت بر اساس قبیله شکل گرفته بود (عجیل، بی تا: ۲۴). علیرغم این که در کویت احزاب موجود، به طور رسمی اجازه فعالیت ندارند اما در سال ۱۹۹۱ و بعد از آزادسازی کویت از اشغال عراق؛ چندین گروه سیاسی رسماً اعلام موجودیت کردند (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۲۱). این گروه ها عبارتند از: ۱- تریبون دموکراتیک: که با همکاری تعدادی از شخصیت های لیبرال، چپ و ملی گرا در ۲ مارس تشکیل شد. ۲- نهضت قانون اساسی اسلامی: که همان گروه «اخوان المسلمین» بود و در ۳۰ مارس ۱۹۹۱ موجودیت یافت. ۳- مجمع نمایندگان: که از نمایندگان سابق و مستقل مجلس کویت تشکیل شده است. ۴- تشکل قانون اساسی: که نمایندگی بازرگانان و اتاق بازرگانی را بر عهده دارد. ۵- بلوک اسلامی مردمی: که یک گروه اسلام گرای سلفی است. ۶- مستقل ها. (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۳۳) در نگاهی کلی به حضور شیعیان در کویت باید عنوان کرد دولت کویت که سعی دارد به وجهه دموکراتیک آن خدشه ای وارد نشود، در مواجهه با نیروی بالقوه شیعیان و ایرانیان مقیم این کشور با سیاست خاصی عمل کرده و به جای اعمال خشونت مستقیم به اخراج آنان متوسل شده و در موارد متعددی به اخراج مجموعه های کارگری از اتباع ایرانی مبادرت ورزیده است. این گونه اقدامات در راستای حفظ ثبات سیاسی و امنیت داخلی کویت صورت می گیرد و در عین حال گویای نگرانی و تشویش خاطر دولتمردان این کشور از رشد و وسعت نهضت بالقوه اسلامی در منطقه می باشد (اسلامی، ۱۳۶۹: ۱۳۵).

احزاب و گروه های شیعی در کویت

روند تاریخی کویت به گونه ای بوده که در تاریخ ۳۰ دسامبر سال ۱۹۶۱ اولین مجلس مؤسسان کویت بعد از استقلال کویت از انگلستان در ژوئن ۱۹۶۱ تشکیل شد و قانون انتخابات حق رای و نامزدی در انتخابات را برای همه کویتیان بدون توجه به وابستگی فرقه ای در نظر گرفت. و شیعیان در مجلس مؤسسان دو نماینده از بیست نماینده مجلس

را به خود اختصاص دادند. وظیفه اصلی این مجلس تدوین قانون اساسی برای کشور بود که به قانون اساسی سال ۱۹۶۲ معروف است و میان کویتیان از نظر حقوق و وظایف برابری ایجاد کرد، و به همین دلیل شیعیان توانستند در مجالس مختلف نمایندگی حضور داشته باشند. توده شیعیان در مجلس، توده سیاسی بخصوصی را تشکیل ندادند، هم چنین جزء مخالفین سیاسی داخل مجلس نبودند، بلکه بخش مهمی از مجموعه سیاسی دوستدار حکومت بودند. این مجموعه دوستان حکومت و اکثریت اعضاء مجلس شامل نمایندگان بادیه و نمایندگان شیعه بودند که دولت در تصویب قوانین و طرح‌هایی که با مخالفت شدید توده ملی گرایان عرب مواجه می‌شد به آن‌ها اتکای زیادی داشت (المدیرس، ۱۹۹۹: ۱۹) در سطح جامعه کویت گرایش‌های سیاسی مختلفی وجود دارد که هر یک به مناسبت‌های مختلف اقدام به برگزاری نشست‌های آزاد جهت بحث و بررسی مسائل روز در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌کنند. (موسوی، ۱۳۸۵: ۳۷) لذا از آن‌جا که کویت جامعه‌ای قبیله‌ای است که نهادهای آن ریشه در این سنت تاریخی دارد به همین دلیل طبق شاخص‌های جوامع غربی قابل تجزیه و تحلیل نمی‌باشند. در طول تاریخ این کشور، تحولات سیاسی اجتماعی باعث گردیده تا برخی حرکت‌های اسلامی رشد نمایند. فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در کویت به طور کلی ممنوع می‌باشد. از این رو هیچ حزب سیاسی رسمی در این کشور وجود ندارند ولی چند گروه و جمعیت مذهبی در این کشور فعال می‌باشند که تحت پوشش فعالیت‌های مذهبی در برخی مسائل سیاسی هم فعال می‌باشند. (سیفی، ۱۳۸۶: ۱۴۹ - ۱۴۸). در سال‌های اخیر، همگرایی‌های گروه‌های شیعی داخل کویت بیشتر از واگرایی‌های آنان بوده است و از ویژگی‌های مهم شیعیان کویتی تأثیرپذیری قوی آنان از فضاها و شیعی کشورهای همسایه کویت است. جریان‌های شیعی کویت را می‌توان امتداد جریان‌های شیعی ایران، عراق و عربستان و گاه لبنان دانست (کویت، ۱۳۹۰: ۳۵ - ۳۴) از جمله مهم‌ترین جریان‌ها و احزاب کویت که در ذیل بدانها پراخته می‌شود:

ائتلاف ملی اسلامی

درسایه این فضای سیاسی جدید پس از اشغال نظامی عراق علیه کویت "ائتلاف ملی اسلامی" به وجود آمد که مانند یک چارچوب سیاسی نیروهای سیاسی، اجتماعی، و دینی شیعه را باوجود اختلاف گرایش‌های سیاسی آن‌ها در صفوف خود جای داد. «ائتلاف ملی اسلامی» انجمن فرهنگی اسلامی، شخصیت‌های مستقل شیعه و نمایندگان مساجد شیعه کویت را درون خود پذیرفت از مهم‌ترین شروط پیوستن به این ائتلاف، التزام داشتن تنها به خود ائتلاف و اندیشه‌های خاص آن و نه گروهی که

از نظر سیاسی به آن وابسته است، عضوی که به ائتلاف ملی اسلامی ملحق می شود لزوما نباید وابستگی خود به حزب الله کویت یا انجمن فرهنگی اجتماعی را ابراز کند بلکه تنها عقاید خاص ائتلاف را ابراز کند و این برای اطمینان از عدم پراکندگی تلاش ها و الحاق آن به چارچوب ملی بدون هرگونه پسوند خارجی است. (المدریس، ۱۹۹۹: ۴۰) ائتلاف ملی اسلامی در انتخابات سال ۱۹۹۲ با چهار کاندیدا شرکت نمود و از برخی کاندیداهای شیعه حمایت نمود. همچنین از برخی شیعیان لیبرال و برخی از شیعیان با گرایش چپ نیز پشتیبانی کرد. دو نفر از کاندیداهای ائتلاف و دو نفر از کاندیداهای مورد حمایت ائتلاف در این انتخابات پیروز شدند (المدریس، ۱۳۸۶: ۸۴)

اتحاد ملی اسلامی

در سال ۱۹۹۸ و به جای ائتلاف ملی اسلامی بوجود آمد که پس از سال ۱۹۹۰ تشکیل شده بود اما بعدا دچار مشکلاتی شد که منجر به تقسیم آن به چندین گروه و سازمان شد. این سازمان معتقد به نظریه ولایت فقیه می باشد و از برخی جنبه ها به عنوان شاخه سیاسی حزب الله کویت شناخته می شود (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۰) اتحاد ملی اسلامی در انتخابات سال ۲۰۰۳ شرکت نمود و به سختی شکست خورد و هیچ کدام از کاندیداهای آن نتوانستند موفق شوند. اتحاد اسلامی با گروه های شیعه ای که به میانه روی مشهور بودند وارد چالش شد. عبدالمحسن جمال یکی از مهم ترین رهبران اتحاد به شمار می آید و تاکید می کند با وجود عدم موفقیت کاندیداهای اتحاد، هنوز اتحاد نقش مهمی در عرصه سیاست ایفا می کند. شیخ حسن المعنوق یکی دیگر از رهبران اتحاد ملی بوده است (المدریس، ۱۳۸۶: ۸۸).

تجمع طرفداران عدالت

تجمع طرفداران عدالت در سال ۱۹۹۸ و به عنوان شاخه ای از ائتلاف ملی اسلامی شکل گرفت، واز مهم ترین اهداف آن مقاومت در برابر ظلم و گسترش عدالت می باشد، اما این سازمان مدت زیادی پابرجا نماند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۱).

جنبش عدالت و دموکراسی

جنبش عدالت و دموکراسی در سال ۱۹۹۹ و از درون ائتلاف ملی اسلامی بوجود آمد و یک تشکیلات کاملا شیعی می باشد. در هیئت موسسان این جنبش افرادی مانند محمد الصائغ، مجید السناذ و سلیمان الحضاری دیده می شوند. عبدالریم الیوسفی یکی از رهبران جنبش تاکید کرد که جنبش از بطن دموکراسی کویت برخاسته است (المدریس، ۱۳۸۶: ۸۹). مهم ترین اصول این جنبش: اعتقاد به اصول رژیم دموکراتیک، تدوین راه حل های مناسب برای مشکلاتی که شهروندان از آن رنج می برند، ایجاد

عدالت در همه اشکال آن، دعوت به برابری، احترام به حقوق اشخاص و رفاه. اما این سازمان مدت زمان طولانی دوام نیافت و از صحنه سیاسی کنار رفت (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۱).

جنبش طرفداران آزادی

جنبش طرفداران آزادی در سال ۱۹۹۹ تاسیس شد و یکی از گروه‌های شیعی به شمار می‌آید که در عرصه سیاست فعالیت کردند. عبدالعزیز طاهر (وکیل) دبیر کل جنبش، دکتر محمد الفیلی، مهندس عبدالحسین السلطان، دکتر حسن الموسوی و مهندس صالح السلیمی از مهم‌ترین پایه‌گذاران این جنبش بودند. این جنبش خود را با شعار «جنبش با اندیشه و هدف و رهبری ملی کویتی که از حق دفاع می‌کند و در برابر ظلم می‌ایستد» معرفی نمود (المدریس، ۱۳۸۶: ۹۰). این جنبش حول تعدادی از ایده‌ها و اهداف تمرکز یافته بود که مهم‌ترین آن عبارت بود از: فراهم کردن منافع عمومی برای مردم کویت، مقابله با ظلم، ایجاد عدالت اجتماعی، برطرف کردن ظلم از طریق ایجاد دموکراسی، تمسک به ارزشها در قوانین اسلامی، پایبندی به قانون اساسی، بیان درد ورنج مظلومان کشور، اما فعالیت این سازمان مدت طولانی ادامه پیدا نکرد و از صحنه سیاسی کنار رفت (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۱).

هیئت خادمان مهدی

هیئت خادمان مهدی در سال ۲۰۰۰ م. تاسیس شد و اهداف و اصولش مبتنی بود بر؛ تقوای الهی در بالاترین حد آن، ولایت مطلق اهل بیت، ترک دنیا ولذت‌های آن به شکل کامل، اعتقاد به پروژه تمدن شیرازی، تمسک به روحیه شجاعت و دلاوری، به حرکت درآوردن جامعه شیعه و افزایش سطح آگاهی آن، پایان دادن به حالت شکست و عقب‌نشینی در جامعه شیعه، تلاش برای بدست آوردن موقعیت جهانی پیشرو و ممتاز در زمینه‌های مختلف از سوی شیعیان، وهدایت فرقه‌های مختلف بشری به نور ایمان اهل بیت. اما هیئت به دلیل ماهیت فرقه‌ای آن به مشکلات بسیاری دچار شد، و حمله بنیان‌گذار آن یاسر حبیب به برخی از صحابه و برخی از همسران پیامبر موجب صدور حکم زندان به مدت ۱۰ سال برای او شد، اما او به انگلستان فرار کرد که دولت انگلیس به او پناهندگی سیاسی داد و این هیئت همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۱). لازم به ذکر است یاسر الحیب در انگلستان حسینیه‌ای تاسیس کرده و به مناسبت ایام سوگواری محرم و شهادت حضرت زهرا (س) قمه زنی و زنجیر زنی می‌کنند.

جماعت دار الزهراء

این گروه از تاجران بزرگ شیعه که میانه رو هستند تشکیل شد و از درون سازمان ائتلاف ملی اسلامی شکل گرفت. سید حجی کاظم و عبدالوهاب الوزان و دکتر یوسف زلزله از مهم ترین پایه گذاران این گروه هستند. این گروه در انتخابات مجلس سال ۲۰۰۳ شرکت کرد و دکتر یوسف زلزله توانست بر سید عدنان عبدالصمد کاندیدای «اتحاد ملی اسلامی» پیروز شود. این گروه در انتخابات مجلس یازدهم شرکت کرد اما نتوانست در این انتخابات پیروز شود (المدریس، ۱۳۸۶: ۹۲).

جمعیت دانشمندان مسلمان شیعه کویت

جمعیت دانشمندان مسلمان شیعه کویت در ۷ ژوئیه ۲۰۰۱ تاسیس شد و از شاخص ترین بنیان گزاران آن محمد باقر مهری و شیخ احمد یعقوب؛ سخنگوی رسمی تجمع بودند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۲). تجمع به مذهب امام جعفر صادق گرایش دارد و پرچم دفاع از آن را بالا می برد (المدریس، ۱۳۸۶: ۹۲). مهم ترین اهداف جمعیت شامل این موارد می شود: ایجاد اعتماد و انسجام در رابطه جامعه کویتی با نظام اسلامی، آموزش جامعه و مشارکت در تاسیس و حمایت از پروژه های شیعیان به شکل خاص و پروژه های اسلامی به طور عام در داخل کویت، توسعه فعالیت سیاسی به منظور دستیابی به ثبات سیاسی در کویت، پررنگ کردن نقش جامعه شیعه جعفری به منظور مشارکت در توسعه تمدن اسلامی، اقدام به منظور گسترش آگاهی از فرهنگی اسلامی از طریق گفتگو، مقابله با اقدامات فرقه گرایی، توجه به مسائل جامعه شیعیان کویت، تلاش برای رفع عدم تعادل در جامعه که بدلیل فقدان هویت شیعه کویتی، بی بند وباری اخلاقی و فساد اجتماعی، و افراط گرایی مذهبی ایجاد شده بود. این جمعیت از ایفای نقش شیعیان در سازمان ها و دستگاه های دولتی و در راس آن وزارت حمایت کردند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۲)

گروه های خیریه اسلامی

گروه های خیریه اسلامی این گروه ها که هر کدام به یکی از جریانات سیاسی - مذهبی جامعه وابسته اند، بیشتر در امر جمع آوری کمک های مردمی و ارسال آن ها به کشور ها و مؤسسات نیازمند اشتغال دارند. در ارائه کمک ها اغلب خط سیاسی گروه خود را تبلیغ می کنند. مهم ترین گروه های فعال در این زمینه عبارتند از: سندیکای معلمین وابسته به جمعیت اصلاح اجتماعی، گروه خیریه شبخ عبدالله نوری (مستقل)، اتحاد ملی دانشجویان، کمیته صندوق کمک به بیماران وابسته به سندیکای پزشکان،

گروه خوشه‌های صلح (زنان) کمیته زنان جمعیت اصلاح اجتماعی، کمیته چراغ‌های هدایت، کمیته‌های کار اجتماعی، کمیته‌های دعوت و ارشاد وابسته به شیعیان (سیفی، ۱۳۸۶: ۱۵۱).

تجمع عدالت و صلح

این تجمع در دسامبر ۲۰۰۴ پایه‌گذاری شد. عبدالحسین سلطان که دبیرکل تجمع است، بارزترین چهره این تجمع می‌باشد. از علل پیدایش این تجمع بازنگری در معادله سیاسی شیعیان بود. یکی از امتیازات این تجمع وجود زنان در آن می‌باشد که در پایه‌گذاری آن سهم بودند. فهیمه العید و سهیله الجادی از آن شمارند. این تجمع از مرجعیت سید شیرازی پیروی می‌کند (المدریس، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

بلوک عمل ملی

بلوک عمل ملی گروهی لیبرال که در مجلس اخیر کرسی کسب کرد. اتحادیه دمکراتیکی ملی: در سال ۱۹۹۷ شکل گرفته و گروهی سکولار و لیبرال است که در انتخابات اخیر موفق به کسب کرسی شد و رهبری آن با خالد الفدلاہ می‌باشد (کویت، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

جمعیت اصلاح اجتماعی (المسلمین)

سازمان اخوان مسلمین در سال ۱۹۲۷ در مصر تأسیس گردید. اهداف کلی این سازمان به اصالت اسلامی و تکیه بر کتاب و سنت رسول اکرم (ص) به عنوان دو منبع اصلی در قانون‌گزاری جوامع اسلامی بود. طرفداران این سازمان در کویت در سال ۱۹۵۲ جمعیت ارشاد را بنا نهادند. در سال ۱۹۶۳ با تغییر نام خود به جمعیت اصلاح اجتماعی دوران تازه‌ای از فعالیت را آغاز نمودند. ارگان رسمی آن‌ها مجله هفتگی المجتمع است که در سال ۱۹۷۰ از سوی دولت، اجازه رسمی انتشار گرفته است. بین اخوان کویت و اخوان مصر همکاری نزدیکی وجود دارد که بخشی از آن علنی و بخشی نیز به صورت محرمانه صورت می‌گیرد (سیفی، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

بلوک عمل خلقی

بلوک عمل خلقی گروهی متشکل از شیعیان و ملی‌گراها به رهبری احمد سعدون که در مجلس دارای جایگاه نمایندگی است (کویت، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

گروه شیعیان

یکی دیگر از مهم‌ترین احزاب سیاسی موجود در کویت گروه شیعیان می‌باشند و در

مقایسه با شیعیان دیگر مناطق - به جز لبنان - در مسائل کشوری خود مشارکت فعال و پررنگی دارند. این امر به دلیل نظام سیاسی و اجتماعی نسبتاً باز کویت است. البته نباید از نظر دور داشت که تجربه تلخ اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ به وسیله عراق؛ موجب تقویت حس شهروندی در میان گروه های مختلف کویت گردید (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۴۶ - ۳۴۵)

جمعیت فرهنگی اجتماعی شیعیان

جمعیت الثقافیه الاجتماعیه (شیعیان) در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان پیرو امام که در فعالیت های سیاسی، از سوی دولت تحت فشار بودند، اقدام به تشکیل انجمن فرهنگی - اجتماعی تحت عنوان فوق نمودند که در قالب آن به جذب جوانان و فعالیت های عقیدتی سیاسی مبادرت می شد. تحرکات این گروه در فاصله سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ به اوج خود رسید. در سال ۱۳۶۶ با دستگیری گروهی از شیعیان وابسته به این گروه، شورای اداری آن منحل شد و دولت گروه جدیدی را که وابسته به دولت بودند به عنوان اعضا شورا تعیین کرد و عملاً این انجمن تعطیل گردید (سیفی، ۱۳۸۶: ۱۵۰)

گروه دار التوحید

گروه «دارالتوحید» گروهی متشکل از روشنفکران جامعه کویت است که با جوامع شیعه مذهب ایران و عراق دارای پیوندهایی است (خبرگزاری فارس، ۲۹ آبان ۱۳۹۲). گروه دارالتوحید جنبشی قدیمی و فعال شامل گروهی روشنفکر از کویت است که کاملاً حامی سیاست جمهوری اسلامی ایران می باشند (سایت حوزه، شماره ۳۹۸. بهمن ۱۳۸۷) و به نوعی به ایران گرایش دارد (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۸۹).

حزب الدعوه

از دیگر احزاب فعال در کویت حزب الدعوه است که به ارتباط با ایران متهم است (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۱) و بعد از یک بمب گذاری در سال ۱۹۸۳ بسیاری از اعضای آن دستگیر شده و تحت فشار دولت کویت هستند (سایت حوزه، شماره ۳۹۸. بهمن ۱۳۸۷).

حزب الله کویت

حزب‌الله کویت بعد از انقلاب اسلامی ایران و با تاثیرپذیری از اندیشه‌های انقلاب اسلامی به وسیله گروهی از جوانان شیعه کویتی وابسته به جریان شیعه انقلابی تاسیس شد، به‌ویژه این که اعضای آن در شهر قم آموزش دیدند و این حزب دعوت به برگزاری همه‌پرسی عمومی در کشور کرد تا مردم کویت حکومتی را که می‌خواهند انتخاب کنند و از توزیع حوزه‌های انتخاباتی که بر مشارکت شیعیان در فعالیت‌های سیاسی تاثیر می‌گذاشت انتقاد کرد. اما حزب متحمل ضربات سنگینی از سوی دستگاه امنیتی کویت شد و همچنین در سال ۱۹۹۶ م. دچار شکاف و چند دستگی گردید که منجر به ظهور چندین جریان داخلی در حزب شد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۶) در واقع حزب‌الله کویت بخش جدایی ناپذیر جنبش اسلامی جهانی به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد که خواستار اجرای همه‌پرسی عمومی است تا مردم کویت خود در باره نظام حکومتی که می‌خواهند انتخاب کنند تصمیم بگیرند و این که کویت باید نظام جمهوری آزاد و مستقل باشد. حزب‌الله کویت معتقد است که حکومت کویت اصرار دارد که شیعیان را از طریق محروم کردن آنان از مشارکت برای تصمیم‌گیری سیاسی و عهده‌دار شدن پست‌های وزارت در انزوا نگه دارد. علاوه بر آن حزب‌الله کویت از شیوه توزیع حوزه‌های انتخاباتی، محرومیت شیعیان از صاحب امتیازی روزنامه‌ها و مجلات، ممنوعیت دعوت از قاریان و علمای شیعه به کویت و عدم نامگذاری تاسیسات عمومی چون خیابان‌ها و مدارس به اسم ائمه، علماء و شخصیت‌های شیعه، انتقاد کرد زیرا حزب‌الله کویت معتقد است که این سیاست‌های فرقه‌ای حکومت، در نهایت موجب تبدیل شدن کویت به لبنان دوم می‌گردد. منابع حزب‌الله با توجه به آمارهای خودش برآورد می‌کند که حزب‌الله ۲۱ شهید و ۵۲۷ زندانی از زمان تاسیس این حزب تا زمان اشغال کویت به وسیله عراق در تاریخ دوم اگوست ۱۹۹۰ داده است. بعد از آزاد سازی کویت، حکومت به تعدادی از اعضا و حامیان این حزب که به اتهام بمب‌گذاری در کویت محاکمه شده بودند در قدر دانی از نقش شیعیان کویت به خاطر مقاومت در برابر قوای اشغال‌گر عراقی و سر و صدایی که جامعه شیعه برای بازگشت این افراد به راه انداختند اجازه داد که به کویت باز گردند. تحولاتی که بعد از درگذشت آیت‌الله خمینی و ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که جزو موافق جریان تندرو و اصول‌گرای ایران نبود به تضعیف این جریان کمک کرد، به طوری که هاشمی رفسنجانی در مخالفت با این جریان سعی در بهبود روابط با کشورهای همکاری خلیج فارس کرد و اقدام به اخراج کردن اعضای حزب‌الله کویت از ایران و بستن مرکز رسانه‌ای اسلامی کویت در تهران و جلوگیری از انتشار مجله‌النصر در ایران

کرد. تغییر بوجود آمده در انقلاب اسلامی ایران به شکل مستقیم بر اوضاع سیاسی کویت تاثیر گذاشت (المدیرس، ۱۹۹۹: ۳۳ - ۳۱) پس از آن به دلیل مسئله برپایی مراسم یاد بود از سوی برخی نمایندگان مجلس کویت برای عماد مغنیه؛ از فرماندهان حزب الله شیعه لبنان در فوریه ۲۰۰۸ دوباره از این حزب سخن به میان می آید و کسانی که در برگزاری این مراسم یاد بود نقش داشتند به مرتبط بودن با این حزب متهم شدند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۶)

امروزه برخی معتقدند در کویت یک شبکه سری از حزب الله لبنان وجود دارد که پیوند نزدیکی با ایران دارد. اما باید دانست که عنوان «حزب الله» به جز درباره حزب الله لبنان معنای روشنی در جهان عرب ندارد و لزوماً بر وجود یک سازمان یا ارتباط با ایران دلالت نمی کند. و حتی نمی توان دریافت که معنای واژه «حزب الله» در محیط کویت چیست. احتمالاً دلیل استفاده از این واژه برای شیعیان کویت؛ تلاش هایی است که در سال ۱۹۸۰ برای سازماندهی شیعیان کویت در شکل یک جنبش رسمی حزب الله صورت گرفته باشد. با این حال هیچ دلیلی بر موفقیت این تلاش وجود ندارد زیرا شرایط اجتماعی ویژه ای که موجب به وجود آمدن حزب الله لبنان شد در کویت وجود نداشت. دلیل متهم بودن شیعیان کویت به گرایش به حزب الله؛ مسافرت اسلام گرایان برجسته شیعی و نیز دو عضو شیعه از پارلمان کویت، به ایران و ارتباط با مراکز مذهبی و سیاسی ایران بوده است. با این حال هیچ نشانه ای مبنی بر این که رهبران شیعی کویت از تشکیلات سیاسی ایران دستورالعمل دریافت می کنند و مورد حمایت مقامات رسمی ایران هستند، وجود ندارد. (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۳) در تحلیل این مطلب باید گفت روابطی که برخی از اعضای شیعه پارلمان کویت با ایران برقرار می کنند موجب گردیده است این ظن قوت بگیرد که اعضای شیعه پارلمان کویت از تشکیلات سیاسی ایران دستورالعمل دریافت می کنند و تصور غالب این است که آنچه در کویت تحت عنوان تحول نامیده می شود در واقع طرح اولیه آن ابتدا در ایران ریخته می شود و سپس به اعضای پارلمان کویت دیکته می شود در حالی که باید اذعان کرد روابطی که شیعیان کویت با ایران برقرار می کنند روابطی بر مبنای سیاست های دیکته شده نظام جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه روابطی است بر بنیاد سیاست های متقابل؛ نه صرفاً بر مبنای روابطی یک سویه.

ائتلاف مجموعه ی دیوانی «الشباب»

ائتلاف مجموعه دیوانی «الشباب» مجموعه از برخی از پیشگامان فرهیخته هموطنان شیعه بوجود آمد که در میان آنان اعضای مجلس کنونی، سیدعدنان عبدالصمد و باقراسد و حسن عبد الحسین و محمد عبدالهادی جمال و علی الموسی و عبدالمجید

الاستاد و ابراهیم‌الیوسف و موسی معرفی و محمد نصیر و عبدالعزیز طاهر و حسین الیوسف و جواد‌المزیدی و مصطفی غلوم و دیگران بودند. هدف از این ائتلاف تغییر وضع موجود گروه در کشور از طریق تمرکز بر افزایش نمایندگان گروه در تشکیلات پارلمانی با صرف نظر از معیارهای کفایت یا مهارت یا توجه بود چندانکه فعالان مجموعه‌ی دیوانی به جمله‌ی زیر استناد می‌کردند: «باید در جهت فرستادن بیشترین تعداد ممکن ابناء گروه تلاش کنیم هر چند سیاهی لشکر باشند» استناد به اعتقادی مبنی بر اینکه تأیید هر نامزدی خارج از کنترل مجموعه‌ی تجار تقلیدی، بمثابه‌ی شکافی در نظام شیعه بوده و در نتیجه احتمال سقوط نامزدهای طائفه افزایش خواهد یافت و همچنین به مثابه عدم توجه به دست‌یابی شیعه به بیشترین تعداد ممکن نمایندگی در مجلس با صرف نظر از ماهیت به شمار می‌آمد. که این امر به علت رویارویی احساسات ظلم و استبداد و ضعف پنداری ناشی از جو فرقه‌ای بود که کشور در آن زمان از آن عبور می‌کرد. (الخالدی، ۱۹۹۹: ۱۰۴). مهمترین اهداف مجموعه‌ی دیوانی «الشباب» در آگاه سازی هموطنان شیعه از اهمیت نقش آنان در تحقق مصالح فرقه، از طریق مجاری قانونی‌ای که قانون سال ۱۹۶۲ تأمین کرد، خلاصه می‌شد.

حزب جنبش اسلامی

حزب جنبش اسلامی پس از استقلال کشور در سال ۱۹۶۲ به شکل مخفیانه شکل گرفت، و از بارزترین بنیان‌گزاران آن سید احمد مهری بود و خط مشی سیاسی شبیه به آنچه که امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران پیاده کرده بود اتخاذ می‌کرد، اما این حزب به مدت طولانی دوام پیدا نکرد و بعد از این که اسم آن به حزب اسلامی تغییر کرد از صحنه محو شد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۰).

انجمن فرهنگی اجتماعی

انجمن فرهنگی اجتماعی در سال ۱۹۶۳ شکل گرفت و اولین حضور علنی سازمان های شیعه بود که از جهت گیری‌های باز امیرکویت در آن زمان استفاده می‌کرد (فتحی ، ۲۰۰۶: ۱۸۷). و با وجود این که انجمن با نام انجمن خیریه غیردولتی ثبت شده بود اما شبیه یک سازمان سیاسی بود چرا که شیعیان آن را به عنوان واسطه‌ای برای فعالیت های سیاسی غیرعلنی خود قرار داده بودند به طوری که انجمن سرپوشی برای کارهای حزب دعوت و فعالیت های آن بود و به همین خاطر بر اعضای حزب "خط انجمن فرهنگ" اطلاق می‌شد اما در سطح عمومی و علنی فعالیت انجمن محدود به خواسته‌های آن مبنی بر ایجاد مساجد و حسینیه‌های بیشتر برای شیعیان شد و در هیچ فعالیت سیاسی شرکت نکرد. اما بعد از انقلاب اسلامی ایران شروع به فعالیت سیاسی

به شکل علنی کرد، که نقش این انجمن در جنبش مسجد شعبان که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت معلوم شد. و در دهه ۸۰ میلادی بعضی از اعضای انجمن به دست داشتن در خشونت‌هایی که در کشور روی داد متهم شدن و در سال ۱۹۸۹ حکومت انجمن را تعطیل کرد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۱ - ۲۱۰).

جنبش رسالین پیشتاز

در سال ۱۹۶۸ به وسیله آیت‌الله سید محمد شیرازی در کربلا به عنوان تجمع نیروهای دینی شیعی در عربستان، بحرین، عراق، عمان و کویت؛ در کربلا تاسیس شد. این جنبش در تلاش بود تا در تحقق اهداف انقلابی خود، نظام‌های کنونی منطقه را به نظام‌های اصول‌گرا بر اساس نمونه اسلامی در ایران تبدیل کند. شیخ حسن الصفار یکی از رهبران جنبش می‌گوید: «برپایی جمهوری اسلامی در قسمت محدودی از جهان اسلام (ایران) خواسته‌های مومنین را برآورده نمی‌سازد و هدف‌های مقدسشان را محقق نمی‌سازد هدف نهایی برپایی حکومت هزار میلیون مسلمان است. جمهوری اسلامی را باید تنها آغاز راه به شمار آورد که شروع راه اسلامی است (المدریس، ۱۳۸۶: ۷۱).

انجمن شنبه

انجمن شنبه عبارت بود از سازمان غیررسمی که علماء شیعه را در برمی‌گرفت و هدفش متحد کردن علماء، رسیدگی به مشکلات جامعه شیعه و حمایت از نامزدهای شیعه در انتخابات همگانی بود (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۱). «انجمن شنبه» پس از دیدارهایی که سید موسی صدر رئیس آن زمان مجلس اعلای شیعه در لبنان در آغاز دهه هفتاد و تا سال ۱۹۷۵ از کویت داشت تشکیل شد. او از علمای شیعه در کویت مانند سید محمد بحر العلوم و سید جعفر قزوینی خواست که مجلس اعلای شیعه را بر اساس الگوی لبنانی آن تاسیس نمایند تا بتواند به امور شیعیان در کویت رسیدگی کند. اما حکومت کویت این مسأله را نپذیرفت. پس از آن علمای شیعه اقدام به برگزاری جلسه‌هایی غیر رسمی نمودند که به «مجلس شنبه» معروف شدند و سخنرانان شیعه در این مجالس که در دیوانه یسد حسین قحطان در منطقه الشعب برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند (المدریس، ۱۳۸۶: ۷۷).

جماعت شیرازی

جماعت شیرازی این جماعت به تبرک از اسم بنیان‌گذار آن سید محمد شیرازی، «جماعت شیرازی» نام گرفت که پس از تبعید از عراق به کویت در دهه هفتاد میلادی فعالیت خودش را شروع کرد. شیرازی به عنوان پدر معنوی سازمان کار اسلامی در عراق به شمار می‌رود. جریان شیرازی یک جریان عاطفی به شمار می‌رود و اکثر مقلدان آن

از اعضای مؤسس انجمن فرهنگی اجتماعی هستند که پس از انقلاب اسلامی ایران از انجمن بیرون آمدند و به جماعت شیرازی پیوستند. شیرازی به عنوان عنصر فعال به شمار می‌آید که توانست بعضی از عناصر فعال شیعه را از طریق مسجد شیرازی در منطقه بنیدالقار و حسینیه رسول اعظم در منطقه دعیه سازمان‌دهی کند و این که این جماعت به مثابه مراکز تجمع و جذب محسوب می‌شود. جماعت شیرازی از شیوه فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی برای جذب جوانان شیعه به صفوف خود استفاده کردند که در این امر موفق شدند. اختلافات میان جماعت شیرازی و جریان انجمن فرهنگی اجتماعی به عرصه دانشگاهی کویت وارد شد، امری که موجب تقسیم دانشجویان به طرفداران و مخالفان این دو گروه شد و به همین دلیل دو دسته دانشجویی شکل گرفت که گروه‌های دانشجویی شیعه را تشکیل می‌داد: "دسته آزاد اسلامی" که بیشتر پیروان آن از جماعت انجمن فرهنگی اجتماعی بودند و "دسته آزاد" که شامل دانشجویان شیعه حامی جماعت شیرازی بود. با این حال باید دانست جماعت شیرازی نتوانست شیعیان کویت را تحت کنترل خود در بیاورد و این امر بنا به دلایل زیر بود: ۱- تمرکز جماعت شیرازی بر اختلافات خودشان با جماعت انجمن فرهنگی اجتماعی که این مسئله منجر به دودستگی و اختلاف و تبادل اتهامات میان دو گروه شد ۲- پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف به دلیل توسعه آبادانی و شهرنشینی، بویژه در منطقه بنیدالقار که بیشتر ساکنان آن از شیعیان پیرو جماعت شیرازی بودند ۳- اختلافاتی که میان آن‌ها و جماعت سید خوئی در باره مسئله اعلمیت، اجتهاد و وحدت مرجعیت دینی بوجود آمد ۴- اخراج بنیان گزار جماعت سید محمد شیرازی از کویت در اوائل دهه هشتاد هنگامی که مقامات امنیتی بعد از ترور برادرش حسن شیرازی در لبنان از وی خواستند کویت را ترک کند (المدیر، ۱۹۹۹: ۱۸ - ۱۵).

موانع فعالیت شیعیان در کویت

به دلیل ساختار نسبی دموکراتیک جامعه کویت، شیعیان با سازماندهی فعالیت‌های سیاسی خود و تشکیل احزاب در ساختار سیاسی کشور نقش آفرینی می‌کنند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۳). علیرغم این که شیعیان کویتی مشارکت فعالی در جامعه دارند اما مشکلی که امروزه شیعیان کویت با آن مواجه هستند انتخاب میان حفظ هویت جمعی شیعی خود و جذب در نظام سیاسی و اجتماعی موجود می‌باشد. در این میان شیعیان کویتی گرایش شدیدی به یک نظام شایسته سالار دارند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۴۶). در پیرو این مطالب باید دانست که نمایندگان توده جنبش ملی گرایان عرب مجلس به کویتیان ایرانی‌الاصل به شدت حمله کرده و خواستار تشکیل کمیته تحقیق از پرونده‌های کسانی که ملیت کویتی دارند شدند، هم‌چنین پیشنهاد کردند که تنها به کسانی که

ملیت عربی دارند تابعیت کویتی داده شود و از کویتیان ایرانی تبار سلب تابعیت بشود و نمایندگان جنبش ملی گرا خواستار آن شدند که تنها ملاک و معیار اعطای تابعیت کویتی زبان عربی باشد. جنبش ملی کویت به شکل منفی تحت تاثیر مواضع اتخاذ شده جنبش کویتیان ایرانی تبار قرار گرفت براین اساس که آن‌ها مهاجم هستند و اختلاف تاریخی میان اعراب و ایرانیان وجود دارد. بی شک این مواضع به نفع حکومت تمام شد که توانست از شیعیان و مواضع اتخاذ شده آن‌ها برضد جنبش ملی کویت استفاده کند (المدریس، ۱۹۹۹: ۲۲-۲۱). اما علیرغم تمام موانع موجود بر سر راه شیعیان، نمایندگان شیعه با تمام وجود به فعالیت‌های پارلمانی مشغول‌اند و مجلس ملی محل مناسبی بوده برای ایجاد پیوند میان منتخبان در موضوعات عینی مختلف، بدون توجه به اختلافات ایدئولوژیک بالقوه آن‌ها. لذا جمعیت شیعی کویت برای برقراری تعادل بین امور سعی در: ۱- کاستن از تردیدهای نهان حکومت و سنیان درباره وفاداری آنان، ۲- به دست آوردن رضایت خاطر خاندان‌الصباح و ۳- بهبود روابط خود با سنیان را دارد. خانواده‌های ثروتمند عجم علاوه بر در دست داشتن تجارت عمده کویت؛ با نشان دادن وفاداری به خاندان حاکم موجب رضایت خاطر رژیم کویت شده‌اند. در جریان بحث درباره اتخاذ شریعت اسلامی به منزله قانون اساسی کویت، اسلام‌گرایان شیعه با اسلام‌گرایان میانه رو سنی متحد شدند؛ هر چند در خصوص حق رای زنان که مورد قبول شیعیان است با سنیان اختلاف نظر داشتند. اسلام‌گرایان شیعه و سنی هر دو به طرح جداسازی زن و مرد در تحصیلات دانشگاهی رای مثبت دادند هرچند این طرح به تصویب نرسید (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۲۶).

در واقع از نخستین سال‌های ۱۹۸۰ به بعد شیعیان بلند مرتبه از مقام‌های اصلی نظامی و انتظامی کنار نهاده می‌شدند. دیگر شیعیان هم به دستیابی بر مقام‌های غیر حساس محدود می‌شدند. در ۱۹۸۶ م. به دنبال انحلال شورا، سمت عیسی‌المزیدی، تنها وزیر شیعی، از وزارت ارتباطات به وزارت کشور برای خدمات اجتماعی تغییر یافت. دولت شروع به اخراج تعدادی از شیعیان کویت کرد. شیعیان از نظارت‌های امنیتی شدید در محلات شیعه‌نشین و سهمیه‌بندی رو به کاهش تعداد دانشجویان شیعه در دانشگاه کویت و از میان رفتن فرصت‌های شغلی در بخش‌های خصوصی و عمومی و افزایش محدودیت در زندگی دینی و اجتماعی خود گله‌مند بودند. این گلایه‌ها احساس جدایی سیاسی را در میان شیعیان تقویت می‌کرد. به زودی حتی خانواده‌های معتبر شیعه هم در مخالفت شیعیان سهمیم دانسته شدند. سیاست دولت در مورد شیعیان تنها مساله را سخت تر می‌کرد. سیاست‌های تبعیض آمیز دولت، هویت فرقه‌ای را حتی در میان آنان که قرار بود از دولت حمایت کنند تقویت می‌کرد. اخراج‌ها هم پیوندهای شیعیان ایران و کویت را مستحکم‌تر می‌کرد. بسیاری از شیعیان اخراجی و تبعیدی کویت در مشهد سکونت داده شدند. با بسته شدن شورا و بالا گرفتن مخالفت‌ها،

دولت شروع به جست و جو برای یافتن متحدانی در بیرون کشور کرد. دولت بار دیگر پشتیبانی مالی خود را از عراق در برابر ایران (که بزرگ‌ترین تهدید به حساب می‌آمد) اعلام کرد و این پشتیبانی را در ۱۹۸۴ م. با مشارکت عربستان سعودی با اختصاص دادن درآمدهای نفتی منطقه بی طرف به عراق آغاز کرد. البته عراق پایگاهی برای سیاست امنیتی پایدار نبود (جیل، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

عواملی مانع مشارکت شیعیان در حکومت کویت می‌شود از جمله: ۱- علیرغم این که سنی‌های اخوانی مایل اند تشیع نیز به عنوان شرطی برای اعمال شریعت پذیرفته شود اما سلفی‌ها با این امر مخالفند و در واقع ناخواسته موجبات تقویت لیبرال‌ها؛ اعم از شیعه و سنی و نیز حکومت کویت را برای ممانعت از هرگونه تغییر در قانون اساسی فراهم می‌آورند ۲- نگرش حکومت مسئله دیگری است که می‌تواند مانع مشارکت شیعیان شود. رژیم کویت انسجام اجتماعی شیعیان را تهدیدی برای منافعش تلقی می‌کند خصوصا این که دیگر نمی‌تواند به جامعه شیعی به مثابه یک هم پیمان دل ببندد. اما این نگرانی بی‌مورد است زیرا نگرش شیعیان مانند نگرش سنیان متنوع است. در صورتی که حکومت کویت شیعیان را برای مشارکت در جامعه تشویق و ترغیب کند؛ قطعاً وفاداری آنان نسبت به حکومت بیشتر خواهد شد. یکی از این راه‌ها کسب کرسی‌های پارلمان و مشاغل موجود در ادارات دولتی می‌باشد و اعتقاد اکثریت این است که بهترین روش برای مشارکت، برابری بدون خطای فرقه‌ای است مشروط بر به رسمیت شناخته شدن پلورالیسم سیاسی و حق شیعیان برای حفظ هویت شخصی و گروهی‌شان. در این میان با افزایش آزادی‌های سیاسی این امکان که عناصر لیبرال دموکرات‌ها و اسلام‌گرایان سنی، بیش از شیعیان به مخالفت با رژیم پردازند وجود خواهد داشت. از لحاظ نظری شیعیان می‌توانند با ایفای نقش «هوادار حکومت» از این وضعیت بهره‌مند شوند. به نوعی که در دهه ۱۹۳۰ که خاندان الصباح با چالش مواجه بودند چنین کردند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۹). در بررسی وضعیت شیعیان کویت تا قبل از سال ۲۰۰۳ و شیوه برخورد آن‌ها و برخورد حکومت با آن‌ها می‌شود به دو نتیجه دست یافت: ۱- آن است که شیعیان کویت درمقایسه با هم‌تایان خود در کشورهای مجاور به خصوص عربستان سعودی و بحرین به حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی خود دست یافتند که این امر موجب ادغام آن‌ها در جامعه کویت بدون مشکلات زیاد شد و از افزایش شدت فرقه‌گرایی میان آن‌ها و اهل سنت کاست، دوره‌هایی که شیعیان در آن دچار مشکل شدند دوره‌های گذرا و کوتاه در تاریخ کویت است. اما ماهیت کلی و ویژگی غالب همان تلفیق و ادغام شدن آن‌ها در زندگی عمومی است که این مسئله از یک طرف به فضای باز سیاسی کویت مربوط است و از طرف دیگر به شیوه مدیریت کثرت‌گرایی جامعه مرتبط است. ۲- آن است که

دولت کویت همیشه سعی کرده شیعیان کویت را در اطراف خودش جذب کند، و علی رغم آثار و نتایجی که انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بر رابطه شیعیان کویت با حکومت داشته است، و مهم ترین آن شکل گیری جریان مخالف شیعی بوده است اما به طور کلی جریان مخالف شیعه در بسیاری از موارد به ویژه در مقایسه با جریان مخالف سنی نزدیک به حکومت بوده و از آن حمایت کرده است (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۲۳).

نقش مراجع تقلید ایرانی در خط فکری شیعیان کویت

شیعیان کویت از نظر پیروی و تقلید از مراجع نیز چند گروه هستند از جمله: ۱- جماعت آیت الله خوئی: تا قبل از انقلاب اسلامی ایران بیشترین درصد شیعیان از ایشان تقلید می کردند. با تأثیر افکار امام بر جامعه کویت به ویژه در قشر جوان و تحصیل کرده، این نسبت تغییر و تعداد مقلدین آقای خوئی به رتبه دوم تنزل یافت. مقلدین پس از فوت ایشان چند دسته شده از آیات عظام گلپایگانی، سبزواری و سپس اراکی تقلید کردند و پس از وفات این آیات عمدتاً از آیت الله سیستانی تقلید و تعداد کمی نیز به سایر مراجع رجوع نمودند. مساجد مربوط به این جماعت مسجد نقی، مسجد مزیدی، مسجد امام زین العابدین (ع)، مسجد بلوشی، مسجد مقامی و مسجد بن نخعی می باشد ۲- جماعت خط امام: بارزترین روحانی این جماعت مرحوم سید عباس مهری بود که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سهم بسزایی در تقویت پایگاه خط امام در کویت داشت. از سال ۱۳۵۷ مقلدین حضرت امام (ره) از نظر کمی و کیفی نسبت به سایر مراجع افزایش یافت و در رده اول قرار گرفت. مقلدین حضرت امام پس از رحلت ایشان بر تقلید خود باقی ماندند ولی گروهی به آیت الله اراکی و یک گروه از آنان به آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب روی آوردند. بعد از ارتحال آیت الله اراکی مقلدین ایشان عموماً به مقام معظم رهبری رجوع نمودند. مسجد امام حسین به امامت شیخ صالح جوهر حیات، مسجد علی ابن ابی طالب به امامت سید باقر مهری، مسجد شیعیان شرق به امامت شیخ حسن دشتی و مسجد رمیثیه به امامت شیخ محمد حبیب از مهم ترین مساجد این جماعت می باشد (سیفی، ۱۳۸۶: ۷۷ - ۷۶).

۳- جماعت شیرازی: آقای سید محمد شیرازی، از عراق به کویت آمد و تشکیلات تبلیغ برای مرجعیت خود را در کویت پایه ریزی نمود. تعدادی واعظ و خطیب جوان و کم سواد را تربیت نمود و با جذب برخی تجار بنیه مالی خود را افزایش داد و دامنه تبلیغات خود را به منطقه شرقیه عربستان و بحرین و پاکستان گسترش داد، ولی به دلایل اشکالات وارده به اجتهاد و مرجعیت وی و روش غیر متعارف برای تبلیغ، توفیق زیادی برای جذب مقلد به دست نیاورد. نامبرده همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به ایران آمد و برای تحکیم موقعیت خود به عنوان مرجع، در شهر قم سکنی

گزید. مقلدین سید محمد شیرازی از حیث تعداد در مرتبه سوم قرار دارند. لازم به توضیح است که عمده فعالیت جماعت شیرازی بر خطابه و کسب منابر حسینیه‌ها استوار است. جماعت شیرازی همچنین اقدام به تهیه منزلی تحت عنوان مدرسه برای اسکان طلاب و روحانیون نموده و یک مرکز تبلیغاتی نیز به نام مکتبه الرسول‌الاعظم دایر نموده است. بزرگان این جماعت با ایجاد ارتباط با وزارت کشور و دستگاه امنیتی کویت، تسهیلات زیادی برای افراد وابسته به خود دریافت می‌کنند. مسجد شیرازی به امامت سید محمد شیرازی، مسجد شیرین به امامت شیخ حامد حسین عبدالرزاق و مسجد الزهراء به امامت شیخ رجب علی حسن از مهم‌ترین مساجد این جماعت می‌باشد ۴ - جماعت میرزا حسن احقایی: میرزا حسن احقایی، ایرانی‌الاصل و متولد قریه اسکو در آذربایجان است. پدرش میرزا مهدی احقایی از علمای مقیم عراق بوده و برادر بزرگش میرزا علی نیز از اهل علم بوده و سال‌ها قبل به کویت هجرت کرده است و مرجع تقلید شیعیان حساوی بوده که پیروان شیخ احمد احسانی از او تقلید می‌کرده‌اند. پس از فوت میرزا علی، برادرش میرزا حسن به عنوان مرجع تقلید شد. جماعت میرزا متهم به انتساب به فرقه شیخیه هستند اما وی این اتهام را رد نموده است. مقلدین وی عموماً از شیعیان ثروتمند و با نفوذ در دستگاه حکومتی می‌باشند و از حیث تعداد در مقایسه با مقلدین سایر مراجع در رده چهارم هستند. میرزا حسن احقایی در اواخر سال ۱۳۷۹ فوت کرد و جسد نامبرده توسط هوایم‌ای اختصاصی امیر کویت به تهران حمل و به خاک سپرده شد. در حال حاضر فرزند وی مرجع این جماعت می‌باشد. مسجد امام صادق(ع)، مسجد صحاف و مسجد صلیبیخات از مساجد مهم این جماعت به شمار می‌رود ۵ - گروه شیعیان بحرینی: گروه کوچکی از شیعیان بحرینی‌الاصل کویت که گفته می‌شود از اخباریون هستند در دو مسجد بحارنه به امامت میرزا جمال‌الدین و مسجد قلاف حولی به امامت شیخ خاقانی متمرکز شده و از تحرک خاصی برخوردار نیستند. این گروه از حامیان حکومت محسوب می‌شوند (سیفی، ۱۳۸۶: ۷۸ - ۷۷).

شیعیان کویت از مراجع تقلید مختلفی پیروی می‌کنند و خود را محدود به دنباله‌روی از یک مرجع نمی‌کنند این امر موجب شده که مرجعیت در میان شیعیان کویت اهمیت بسیاری دارد و لذا دلیل اصلی بی‌اعتمادی حکومت کویت به شیعیان، همین مسئله مرجعیت و تقلید شیعیان از مراجع می‌باشد. پس از آن که عراق مقام مرجعیت تشیع خود را از دست داد، بسیاری از شیعیان و به ویژه کویتی‌ها برای تحصیلات مذهبی به ایران مراجعت می‌کردند. این مسئله موجب نگرانی سنیان کویتی گردید با این حال حکومت کویت از مسافرت شیعیان کویتی به ایران جلوگیری نکرده است. در این میان شیعیان اظهار می‌کنند که پیوند مذهبی آنان با ایران از وفاداری آنان به کویت نمی‌کاهد.

شیعیان در این رابطه اشاره می کنند که وهابی های کویتی نیز برای بهره مندی از نظرات روحانیون وهابی ساکن در عربستان به آنان مراجع می کنند. شیعیان در تکمیل این نظر مدعی اند که این مسئله در واقع مداخله یک مقام غیر کویتی در امور داخلی کویت می باشد و همچنین شیعیان خاطر نشان می کنند که آنان از مراجع ایران چنین مجوزی درخواست نکرده اند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۰ - ۳۲۹). شیعیان کویت با گروه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این کشور از جمله بازرگانان، نیروهای ملی، قومی و چپ گرایان و نیز بعضی از نیروهای دینی اهل سنت مرتبط هستند. حتی معروف است که خاندان حاکم در کویت از زمان های قدیم با تجار شیعه روابط اقتصادی و اجتماعی داشته اند و بعضی از اعضای خانواده الصباح با حضور در حسینیه ها در مراسم عزاداری شیعیان در روز عاشورا شرکت می کنند (امامی ۱۳۸۰: ۱۷۹).

روابط ایران و کویت

از آن جا که از دیر باز بین ایران و کویت روابط حسن همجواری وجود داشته است لذا رفت و آمد عده زیادی از ایرانیان به کویت و مراودات و مبادلات تجاری بین طرفین از روزگار باستان روابط فیما بین را بر مبنای دوستی و تفاهم استوار کرده است. عده ای از ایرانیان مقیم استان های جنوبی کشور که به کویت رفت و آمد داشتند از سال ها پیش در این سرزمین رحل اقامت افکنده اند و از آن تاریخ مخصوصا پس از پیدایش نفت در کویت و توسعه اقتصادی این کشور بر عده آنان که در ساختار کویت جدید نقش موثری داشتند؛ افزوده شد. وجود خانواده های ایرانی الاصل در کویت پیوسته روابط نزدیک خانوادگی و تجاری را بین مردم دو سرزمین محفوظ داشته و توسعه داده است (اطلاعاتی درباره کویت، ۱۳۶۲: ۱۱۵) در این میان؛ دو مناسبت موجب ارتباطات نزدیک بین ایران و کویت شد از جمله: ۱- هم کیشی که از بدو پیدایش اسلام به صورت یک رشته ناگسستنی این دو ملت را به هم پیوند داده ۲- همجواری ایران و کویت که خود یکی دیگر از عوامل نیرومند همبستگی و دوستی و سرمنشاء هزاران مناسبات دوستانه و صمیمانه دیگر خواهد بود. پس از اعلام استقلال کویت، ایران اولین کشور غیر عربی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و هیاتی از رجال و شخصیت های برجسته ایران برای تبریک به کویت رفتند (جواهری، ۱۹۶۱: ۱۲۸ - ۱۲۷)

می توان تاریخ روابط ایران و کویت را در دو مقطع جداگانه و در بطن حاکمیت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. در زمینه روابط کویت با ایران قبل از انقلاب اسلامی باید گفت: پس از اعلام استقلال کویت در سال ۱۹۶۱ ایران از جمله نخستین کشورهایی بود که کویت را به

رسمیت شناخت. با این حال در این برهه اگرچه اعراب از رژیم شاهنشاهی دل خوشی نداشتند ولی نوع رفتار ایران و آمریکا و ارتباطات نزدیک فیما بین توان مخالفت با آن را از اعراب گرفته بود. با تحلیل این برهه به نیکی می‌توان فهمید که همگامی، هم‌سویی و هم‌نوایی رژیم شاهنشاهی با ابر قدرت‌ها گویا نفس کشورهای عربی را بریده بود. نوع رفتارهای رژیم شاهنشاهی و اهمیتی که آن رژیم برای آمریکا داشته و نقشی که شاه برای آنان ایفا کرده باعث شده بود که ایران بتواند جای همه کشورهای عربی را برای آنان پر و نیز نقش آنان را کم رنگ‌تر نموده و کشورهای عربی را در اولویت دوم قرار دهد. به نظر می‌رسد این رفتارها باعث شده در برخی از اعراب و حکام کشورهای عربی احساس حقارتی پدید آید که با استقرار جمهوری اسلامی به احساس انتقامی ناخواسته مبدل گردد (سیفی، ۱۳۸۶: ۱۶۵) از طرف محمدرضا شاه پهلوی، تلگراف تبریکی به شیخ کویت مخابره شد. امیر کویت نیز به تلگراف شاه ایران پاسخ دادند. اندکی بعد آقای محسن صدر (صدرالاشراف) به ریاست هیات حسن نیت منصوب و به کویت اعزام شدند (در همین زمان بود که دولت عبدالکریم قاسم در عراق نسبت به کویت ادعاهایی ابراز داشت) هیات مزبور حامل پیام شاه ایران به شیخ کویت بود. این هیات صبح روز شنبه ۱۷ / ۴ / ۲۵۲۰ شاهنشاهی، به کویت عزیمت کرد. در این سفر عده‌ای از خبرنگاران نیز هیات ایران را همراهی می‌کردند (کلیاتی درباره روابط دولت شاهنشاهی ایران با دول حوزه مسئولیت اداره اول سیاسی عراق، عربستان سعودی، کویت، جمهوری عربی یمن) طی پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۵ : ۹۴).

اولین سفیر ایران در کویت «محمد حاجب دولو» بود که از ۲۲ دی ماه ۱۳۴۰ تا اردیبهشت ۱۳۴۲ این سمت را بر عهده داشت. پس از محمد حاجب دولو تا پیروزی انقلاب اسلامی سفرای دیگری به این مقام نائل شدند که به ترتیب عبارتند از: محمد قوام، عباس فرزندگان، غلام رضا تاج بخش، فریدون زند فر، رضا قاسمی، علی شمس اردکانی که فرد اخیر اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت بود (اطلاعاتی درباره کویت، ۱۳۶۲: ۱۱۶) کویت از جمله اولین کشورهای بود که نظام جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت. دیدار شیخ صباح‌الاحمد وزیر خارجه کویت از تهران در ژوئن ۱۹۷۹ نیز نخستین دیدار وزیر خارجه یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس از تهران بود. هدف این دیدار بررسی امنیت در منطقه و توسعه مناسبات ایران و اعراب عنوان گردید. وزیر خارجه کویت با ابراز خشنودی از انجام این دیدار اعلام نمود روابط دو کشور از امروز به بعد بهتر خواهد شد (فیلی رودباری، ۱۳۷۵: ۱۵۸ - ۱۵۷).

در تغییر جهت‌گیری شیعیان از اتحاد با رژیم به سمت مخالفت و از مسالمت و آشتی

به سمت خشونت پس از انقلاب اسلامی ایران سال ۱۹۷۹ دو نتیجه وجود دارد: نتیجه اول همان استفاده از زور و قدرت در برخورد با شیعیان بود به اعتبار این که آن‌ها ستون پنجم حمایت از ایران هستند، بویژه این که کویت در بین عربستان سعودی، عراق و ایران قرار گرفته است (توال، ۲۰۰۷: ۱۲۵) و حکومت کویت برخی از شیعیان را به عنوان دشمن و تهدیدی واقعی برای خود قلمداد کرد، به خصوص در پرتو نگرش و دیدگاه‌های ابراز شده از سوی جناح‌های شیعه در براندازی رژیم کویت و در نتیجه آن جلوه‌های آزار و اذیت و تبعیض علیه شیعیان افزایش یافت و بسیاری از آن‌ها از نیروهای مسلح و پلیس کویت اخراج شدند و تعداد آن‌ها در مجلس ۱۹۷۵ از ۱۰ نماینده به ۴ نماینده در مجلس ۱۹۸۱ و به ۳ نماینده در مجلس ۱۹۸۵ کاهش یافت. نتیجه دوم همان افزایش فرقه‌گرایی در عرصه سیاسی و اجتماعی کویت بود؛ غانم نجار در این رابطه اشاره می‌کند که فرقه‌گرایی به شدت در انتخابات مجلس که در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۱ برگزار شد وجود داشت، و این امر علت‌های مختلفی داشت، از جمله بسیاری از نامزدهای سنی و شیعه این انتخابات به نوعی درگیر فرقه‌گرایی شدند. همچنین تشویقی که شیعیان کویتی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران دیدند جامعه سنی را بر آن داشت که نگران وضعیت خود باشند، همچنین علاوه بر آن مشارکت سیاسی فعال از جانب هر دو گروه شیعه و سنی باعث شدیدتر شدن ابعاد فرقه‌گرایی شد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۸-۲۱۷).

نتیجه‌گیری

کویت از جمله کشورهای امیرنشین حاشیه خلیج فارس است که بعد از استقلال با تکیه بر قانون اساسی توانست ساختاری نسبتاً دموکراتیک را در این کشور به وجود آورد لذا کویت را می‌توان متفاوت ترین کشور در بین کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس دانست زیرا تنها کشور عربی حاشیه خلیج فارس است که نسبتاً ساختار دموکراتیک دارد و تلاش می‌کند از این مجرا اختلافات سیاسی درون خود را حل کند. از بین گروه‌های سیاسی ساکن در کویت؛ شیعیان که عمدتاً ادامه جغرافیای شیعیان جنوب عراق و شیعیان خوزستان ایران می‌باشند که از ایران، عراق، عربستان و بحرین به این سرزمین آمده‌اند؛ که به گونه‌ای امیدوار کننده در تحولات سیاسی کویت حضور دارند و از آن‌جا که کویت در زمینه مسائل سیاسی یکی از آزادترین کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس محسوب می‌شود لذا شیعیان ساکن در کویت را نیز می‌توان یکی از آزادترین گروه‌های ساکن در این کشور به شمار آورد که با فعالیت‌های گسترده در زمینه موضوعات سیاسی و انتخاباتی نقشی فعال و تعیین کننده در ساختار دموکراتیک کویت ایفا می‌کنند و بستری مناسب را برای افزایش فعالیت شیعیان فراهم می‌نمایند.

بمنابع

- اسلامی، مسعود (۱۳۶۹)، بررسی موقعیت کشورهای کوچک در روابط بین‌الملل؛ ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران: نشر همراه.
- اطلاعاتی درباره کشور کویت، اداره اول سیاسی، خردادماه ۱۳۶۲
- امامی، محمدعلی (۱۳۸۰)، عوامل تاثیرگذار خارجی در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز آمار کشور، «۱۳۸۱»، سالنامه آماری کشور
- توال، فرانسوا (۲۰۰۷)، الشیعه فی العالم: صحوه المستبعدین و استراتیجیاتهم، ترجمه نسیم عون، بیروت: دارالفارابی
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۹)، روابط عراق و کویت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز مطالعات خلیج فارس
- جواهری، محمدخلیل (۱۹۶۱)، کویت امروز، ترجمه ابوالقاسم امامی، بی‌جا، ناشر: محمدخلیل جواهری
- جیل، کریستال (۱۳۷۸)، نفت و سیاست در خلیج فارس، حکومتگران و بازرگانان در کویت و قطر، ترجمه ناهید سلامی شاپور جورکش، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد مستضعفان و جانبازان
- حجار، سامی (۱۳۸۱)، امریکا در خلیج فارس، چالش‌ها و چشم‌اندازها، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: ابرار معاصر
- حیدری، علی حسن (۱۳۸۳)، «شیعیان در کویت»، روزنامه صبح صادق، ش ۱۵۲.
- الخالدی، سامی ناصر (۱۹۹۹)، الاحزاب الاسلامیه السیاسیه فی الکویت (الشیعه - الاخوان - السلف)، الکویت: الناشر دار النبا للنشر و التوزیع
- دکمجیان، هریر (۱۳۷۷)، اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر، ترجمه حمید احمدی، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس (با تاکید بر شیعیان)، مولف: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷)، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- سایت حوزه، بهمن ۱۳۸۷، شماره ۳۹۸.
- سیفی، حسن (۱۳۸۶)، آشنایی با کشور کویت، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی
- عجیل، امل (بی‌تا): قصه و تاریخ الحضارات العربیه (الکویت، البحرین)، بیروت: بی‌نا فتحی، ممدوح انیس (۲۰۰۶)، الامن القومی الایرانی: مصادر التهديد و آليات المواجهه

، ابوظبی، بی نا
 فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه شناسی.
 فیلی رودباری، لواء (۱۳۷۵)، کویت، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
 کاظمی، زهرا سادات (۱۳۸۴)، اصلاحات در کویت: کتاب خاورمیانه ۵ (ویژه اصلاحات در خاورمیانه)، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
 کاظمی دینان، سید مرتضی (۱۳۸۸)، علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، کویت)، قم: شیعه شناسی
 کریستال، جیل (۱۳۷۷)، نفت و سیاست در خلیج فارس؛ حکومتگران و بازرگانان در کویت و قطر، ترجمه ناهید اسلامی و شاپور جورکش، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
 کلیاتی درباره روابط دولت شاهنشاهی ایران با دول حوزه مسئولیت اداره اول سیاسی (عراق، عربستان سعودی، کویت، جمهوری عربی یمن) طی پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، / اداره انتشارات و مدارک، اردیبهشت ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی، تهیه کننده: اداره اول سیاسی (وزارت امور خارجه)
 کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزات امور خارجه (۱۳۹۰)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
 متقی زاده، زینب (۱۳۸۴)، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم، موسسه شیعه شناسی
 المدریس، فلاح عبدالله (۱۹۹۹)، الحركه الشيعيه في الكويت، الكويت: دارقرطاس للنشر المدریس، فلاح (۱۳۸۶)، جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی - دینی کویت، تهران: وزارت امور خارجه
 المدریس، فلاح عبدالله (۱۹۹۹)، ملامح اولیه حول نشاء التجمعات و التنظيمات السیاسیه فی الكويت ۱۹۳۸ - ۱۹۷۵، الكويت: دار قرطاس للنشر
 موسوی، سید جعفر (۱۳۸۵)، سیمای کویت امروز با نگاهی به روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران، کویت: سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت
 میررضوی، فیروزه و بهزاد احمدی لفورکی (۱۳۸۳)، راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر
 ناصر، شحاته محمد (۲۰۱۱)، سیاسات النظم الحاکمه فی البحرين و الكويت و السعودیه فی التعامل مع مطالب الشيعیه (۲۰۰۳ - ۲۰۰۸)، بیروت: مرکز دراسات الواحده العربیه نکاست، اسحاق (۱۳۸۷)، شیعیان در جهان عرب مدرن (عراق، لبنان و حوزه خلیج

فارس)، ترجمه ارسلان قربانی شیخ نشین، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
خبرگزاری فارس، ۲۹ آبان ۱۳۹۲
کیهان، ۱۶ مهر ۱۳۶۷
کیهان، ۱۸ آبان ۱۳۶۷
روزنامه کیهان، ۹ مهر ۱۳۶۷

Bernard Lewis(1988), The Political Language of Islam, university
of Chicago Press